

## دلایل تداوم جنگ و ناکامی صلح پس از فتح خرمشهر در سال ۱۳۶۱

حسن حضرتی؛ هادی قیصریان فرد<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۲

**چکیده:** تنش میان رژیم بعث عراق و کشور ایران بر سر مرزهای غربی و نیز وقوع انقلاب اسلامی، موجب شد تا وضعیت جدیدی در منطقه پدید آید که در نهایت، به جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران منجر شد. اگرچه جنگ می‌توانست به جداسازی بخش‌هایی از سرزمین ایران منجر شود؛ اما، با مقاومت مردم و نیروهای نظامی، ارتش کشور متجاوز به عقب رانده شد و قسمت اعظم سرزمین‌های اشغالی همچون خرمشهر در خرداد ۱۳۶۱ آزاد شد. پس از آزادسازی خرمشهر، رویکردهای متفاوتی در توقف یا تداوم جنگ شکل گرفت و این ابهام مطرح شد که چرا با وجود اقدامات میانجیگرانه برای صلح، جنگ پایان نیافت؟ هدف این پژوهش، پاسخ به چرایی تداوم جنگ تحمیلی است که نقش و اهمیت بسیاری در روشن‌ساختن ابهامات و تاریخ‌نگاری جنگ دارد. روش نظری پژوهش براساس نظریه بازیهای «برد - باخت» اچ. اف کالاهان است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دلایل ادامه جنگ از ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیک قابل بررسی بوده است و علل ناکامی تلاشهای صلح‌آمیز، عدم تحقق خواسته‌های طرفین و بویژه ایران در جنگ تحمیلی بود. شیوه جمع‌آوری داده‌ها نیز بر اسناد منتشر نشده و مصاحبه مبتنی است.

**واژگان اصلی:** جنگ تحمیلی، خرمشهر، صلح، عراق، راهبردملی، مرز جغرافیایی

## مقدمه

فتح خرمشهر و آزادسازی مناطق اشغالی به منزله آغاز روند جدیدی بود که علاوه بر تغییر در ماهیت جنگ کلاسیک و روی آوردن به بسیج مردمی، محاسبات رژیم عراق و دیگر بازیگران را با چالش عمده‌ای روبه‌رو ساخت. در این مرحله برتری نظامی ایران برای حکومت عراق و حامیان آن نگرانی‌هایی ایجاد کرد به طوری که گفته می‌شود برای مهار و جلوگیری از پیشروی نیروهای ایرانی به داخل خاک عراق، پیشنهادهایی از سوی حکام عراق و قدرتهای حامی آن مطرح شد که با عدم استقبال ایران روبه‌رو می‌شد؛ بدین منظور ضرورت دارد، همه ابعاد تأثیرگذار درباره علل و دلایل تداوم جنگ، مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. منظور از علل، شرایط و تجهیزات نظامی، مسائل ژئوپلیتیک و نقش بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی در ادامه روند جنگ است. دلایل تداوم جنگ نیز ناظر بر مباحث نظری و اعتقادی است که بیشتر در جوامع انقلابی نمایان می‌شود. در واقع جوامع انقلابی با بهره‌گیری از فرصتها می‌توانند اهداف سیاسی بالقوه خود را به سوی بی‌نهایت پیش ببرند. بنابراین، ویژگی آرمانخواهی برای ایجاد حس اتحاد در چنین جوامعی، می‌تواند پدیده طولانی شدن جنگ در بستر تعامل تحولات اجتماعی و آرمانخواهی را به‌خوبی توجیه کند.

با توجه به اهمیت این مؤلفه‌ها درباره علل و دلایل تداوم جنگها و هم‌چنین نظر به راهبردی بودن فتح خرمشهر در سال ۱۳۶۱، این پرسش مطرح است که چرا پس از فتح خرمشهر و عقب‌نشینی نیروهای عراقی به مرزهای اولیه جنگ پایان نیافت. ضرورت پاسخ‌دهی به این پرسش به این دلیل مهم است که جنگ از جمله حوادث بزرگ تاریخ‌سازی است که امروزه بخشی از آن همچون کوه یخی در زیر آب باقی مانده است و به‌همین دلیل ضرورت دارد برای آگاهی نسبت به شأن تاریخی آن با استفاده از اسناد و مستندات دقیق، لایه‌های زیرین این کوه یخی را کشف و شناسایی کرد. بنابراین، برای آگاهی نسبت به شأن تاریخی رخداد جنگ، لازم است مورخ با کمک اسناد و مدارک و روش خاص به توصیف و تحلیل آن بپردازد. اگرچه تاکنون درباره علل آغاز و تداوم جنگ تحمیلی، مطالب زیادی در قالب کتاب، مقاله و... از سوی پژوهشگران نظامی و سیاسی منتشر شده است، ابعاد و ناگفته‌های جنگ آن‌قدر پیچیدگی دارد که هنوز یکی از دستمایه‌های پژوهشگران قلمداد شود. از طرفی، تاکنون در حوزه تاریخ‌نگاری جنگ، پژوهش جدی و منسجمی توسط پژوهشگران

تاریخ‌نگار انجام نشده و اغلب پژوهشها توسط نظامیها و افراد سیاسی انجام شده است. بنابراین، ضرورت این نوع پژوهشها در مجامع علمی بیش از پیش احساس می‌شود.

### سؤال اصلی

علل تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر و ناکامی تلاشهای صلح چه بود؟  
فرضیه پژوهش: عدم تحقق اهداف طرفین در جنگ، حفظ اصل تمامیت ارضی و عدم پیشنهاد صلح شرافتمندانه از جمله علل و دلایل تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر بود.

### نظریه پژوهش

### نظریه بازی برد - باخت

چارچوب نظری تحقیق براساس نظریه بازیها است که اولین بار امیلی بورل<sup>۱</sup> ریاضیدان بزرگ فرانسوی در سال ۱۹۲۱ میلادی آن را مطرح کرد و پسها در سال ۱۹۲۸ میلادی توسط یک ریاضیدان دیگر به نام جان فون نیومن<sup>۲</sup> تحت عنوان «نظریه بازی با کلمات»<sup>۳</sup> گسترش پیدا کرد. سپس در سال ۱۹۴۴ میلادی کتابی تحت عنوان «نظریه بازیها و رفتار اقتصادی»<sup>۴</sup> توسط فون نیومن و اسکار مورگنست<sup>۵</sup> نوشته شد و بدین ترتیب نظریه بازیها به عنوان زمینه مطالعاتی و تحقیقاتی بنیان نهاده شد. در سال ۱۹۵۰ میلادی، جان نش<sup>۶</sup> این نظر را مطرح کرد که بازیها همواره یک نقطه تعادل دارد و در آنها همه بازیگران گزینه‌ای را انتخاب می‌کنند که با توجه به انتخابهای رقبای آنها بهترین گزینه است. تقریباً بیشتر تحلیلگران جنگ معتقدند که نظریه بازیها بر رفتار مرسوم به رفتار «صحیح عقلایی» در وضعیت‌های منازعه‌آمیزی ناظر است که طی آنها شرکت‌کنندگان در منازعه سعی در «بردن» دارند (ونتسل، ۱۳۷۳: ۷۶). این نظریه در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی، گسترش چشمگیری یافت و در مسائل مربوط به جنگ و سیاست نیز مورد استفاده قرار گرفت (Neumann, J.V. & Morgenstern, 2007: 25).

1. Emile Borel

2. John von Neumann

۳. این نظریه، که واژه اصلی آن «Theory of parlour games» است اشاره به بازیهایی می‌کند که در قرن نوزدهم بین طبقه متوسط و بالای جامعه بسیار رایج بوده است. در این بازی که معمولاً در اتاق نشیمن یا پذیرایی صورت می‌گرفته است، زنان و مردان این طبقات به بازی با کلمات یا حروف می‌پرداختند.

4. Theory of Games and Economic Behavior

5. Oskar Morgenstern

6. John Nash

براساس نظریه بازیها فرض این است که تصمیمات بازیگران عقلانی است و هر کدام تلاش می‌کنند گزینه‌ای را انتخاب کنند که حداکثر سود را به دنبال داشته باشد.

نکته قابل توجه در نظریه بازیها این است که برد یک طرف، باخت طرف مقابل نیست؛ بلکه مانند کیک است که به نسبت‌های مختلف قرار است میان رقیبان و بازیگران تقسیم شود. بنابراین، در صحنه بین‌الملل، امکان رسیدن دولتها به منافع مطلق محال است و نظام بین‌الملل صحنه توزیع نسبی منافع بین دولتها است که هر کشوری متناسب با واقعیت‌های حاکم سهمی می‌برد. امروزه، باوجود ادعای کشورهای قدرتمند، راهبرد کشورها حول بازی برد - برد رقم می‌خورد که توانسته است موجب جلوگیری از وقوع جنگهای خانمان‌سوز شود؛ در حالی که، جنگهای بزرگ و تداوم آنها محصول راهبرد بازی «برد - باخت» بود و شاید به این دلیل همه عقلای کشورها، گزینه «برد - برد» را در مناسبات بین‌الملل برگزیده‌اند و آن را به صلاح صلح جهانی و تأمین‌کننده منافع حداقلی همگان تلقی می‌کنند. مسئله قابل تأمل درباره نظریه بازیها این است که وقتی بازی «برد - برد» می‌تواند دشمنان واقعی را کنار هم قرار دهد و خسارت را به حداقل برساند، چرا مناسبات ایران و عراق از چنین فرصتی محروم ماند و توجه نکردند که خسارت بازی «برد - باخت» جبران‌ناپذیر است. برای پاسخ به این مسئله لازم است «نظریه برد - باخت» بیشتر مورد بررسی قرار بگیرد.

نظریه برد - باخت، برای نخستین بار پس از جنگ دوم جهانی، توسط اچ. اف کالاهان مطرح شد. این نظریه بر پایه دو مفهوم اصلی پیروزی و شکست بنا شده بود و براساس آن، هر کشور تا زمانی که توان نظامی، سیاسی و روانی لازم را دارد، می‌تواند به جنگ ادامه بدهد. براساس این نظریه، پانزده برداشت متفاوت از تعریف پیروزی در جنگ وجود دارد که در این چهار گروه قرار می‌گیرد: گروه نخست: برداشتهایی است که پیروزی را موفقیت نظامی محض می‌بیند و به سه صورت به دست می‌آید:

۱. فروپاشی کامل نیروها و صنایع دشمن

۲. تخریب نیروهای نظامی طرف مقابل

۳. عقب‌نشینی پذیرفته شده نیروهای دشمن از خاک کشور

گروه دوم: پیروزی را براساس رابطه دو طرف درگیر تعریف می‌کند. این نوع از پیروزی

نیز به چند شکل عملی می‌شود:

۱. دستیابی به موفقیت‌های نظامی فراتر از آنچه دشمن به دست آورده است.

۲. تسلیم راهبردی نیروهای دشمن (کاپیتولاسیون)

۳. تحمیل شرایط دیکته شده آتش‌بس یا صلح

۴. تحمیل خسارت به دشمن، بیش از خسارتی که به نیروی خودی وارد شده است.

گروه سوم: پیروزی را بر مبنای اهداف و نتایج جنگ به این شکلها مطرح می‌کند:

۱. دستیابی به اهداف اولیه جنگ

۲. خنثی کردن اهداف اولیه که دشمن طراحی کرده است.

۳. دستیابی به هر هدف یا اهداف جنگ که در طول درگیری ترسیم شده است.

۴. خنثی کردن هرگونه هدف دشمن

گروه چهارم: پیروزی به‌عنوان برد و باخت، بدون توجه به اهداف جنگ نیز آخرین

دسته‌بندی است. این نوع پیروزی به صورتهای زیر به دست می‌آید:

۱. دستیابی به دستاوردهای سرزمینی

۲. دستیابی به هرگونه دستاوردی فراتر از آنچه هست، بدون توجه به میزان خسارت.

از آنجا که در این طبقه‌بندی، چون نوعی محاسبه سود و زیان وجود دارد، عقلانی

به‌شمار می‌آید؛ با این حال، تمامی طرفهای درگیر این محاسبه را نمی‌کنند. کالاهان هم‌چنین

نظریه خود را براساس این فرضیه اصلی بیان می‌کند که نخست جنگ را طرف پیروز به پیش

می‌برد و صلح را نیز طرف غالب اعمال می‌کند؛ بنابراین باید نظریه‌های طرف غالب برای صلح

مورد توجه قرار بگیرد. هم‌چنین براساس این نظریه برای رسیدن به طرح پایان جنگ، که

اغلب پس از یک عملیات مهم و سرنوشت‌ساز رقم می‌خورد، سه پرسش اساسی مطرح

می‌شود که عبارت است از:

۱. آیا طرفین درگیر در جنگ، توانایی ادامه نبرد را دارند؟

۲. آیا اراده لازم از سوی طرفین برای تداوم جنگ وجود دارد؟

۳. اهداف سیاسی مهم دو طرف که در جنگ نهفته است، چیست؟

پاسخ به پرسش اول و دوم مشخص و روشن است؛ زیرا اگر جواب در هر دو منفی

باشد جنگ نیز به پایان می‌رسد. بنابراین تا زمانی که هر کشوری توان نظامی و اراده لازم را

در خود نبیند به جنگ ادامه نمی‌دهد؛ اما درباره پرسش سوم، که با انگیزه‌های سیاسی طرفین

در نبرد ارتباط دارد، باید توجه کرد که چنانچه انتظارات و اهداف سیاسی مورد انتظار برآورده نشود، چند فرضیه برای تصمیم‌گیری مطرح خواهد شد:

- اگر هدف نبرد دست‌یافتنی باشد، جنگ ادامه پیدا می‌کند.
- اگر اهداف دست‌یافتنی نباشد، طرف درگیر در نبرد، مجبور است اهدافش را تغییر دهد و به جنگ پایان دهد.
- اگر اهداف تغییر کند و اهداف جدیدی مطرح شود که دست‌یافتنی باشد، جنگ تداوم می‌یابد.
- اگر اهداف نبرد تغییر کند و دست‌یافتنی هم نباشد، جنگ پایان می‌یابد (ونتسل، پیشین: ۴۵).

براین اساس، جنگ هشت‌ساله رژیم بعث عراق علیه ایران، سه مرحله داشت: در ابتدا رهبران عراق از بین دو گزینه گفتگو و حمله نظامی، گزینه جنگ را انتخاب کردند. در مرحله دوم ایران بود که تصمیم به مقابله و دفاع نسبت به این حمله نظامی گرفت و جنگ را تا بیرون راندن نیروهای متجاوز عراقی و آزادسازی بسیاری از مناطق اشغالی همچون خرمشهر ادامه داد. در مرحله سوم که با عقب‌نشینی نیروهای بعثی عراقی از خاک ایران همراه بود، ایران باید برای انتخاب دو گزینه موجود یعنی، آتش‌بس و یا ادامه جنگ تصمیمی می‌گرفت که در آن منافع حداکثری ایران تأمین می‌شد؛ بنابراین، مجبور بود از بین هزینه‌ها و منافعی که برای خود متصور بود، گزینه مناسب را انتخاب می‌کرد. در آن دوره تصمیم‌گیرندگان سیاسی و نظامی ایران به دلیل قرارگرفتن در موقعیت برتر نظامی، حاضر نبودند بدون تأمین خواسته‌ها و اهداف خود، پیشنهادهای رژیم عراق را بپذیرند. از طرفی ارتش عراق با توجه به شکست‌های بزرگی که متحمل شده بود برای جلوگیری از پیشروی نیروهای ایرانی و همچنین حفظ نیروهای خود در داخل خاک ایران، تصمیم به عقب‌نشینی و تلاش برای پایان جنگ گرفت. بر این اساس در این تحقیق، علل و دلایل تداوم جنگ تحمیلی براساس نظریه «بازی برد - باخت» مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد که بر محاسبه عقلانی هزینه و فایده مبتنی است.

### پیشینه پژوهش

اگر چه در رابطه با موضوع و مسئله اصلی پژوهش، کار تحقیقی منسجم و مستقلى تا کنون انجام نشده؛ اما، پژوهش‌هایی به طور جداگانه صورت گرفته است که در ذیل به معرفی آنها پرداخته می‌شود.

## تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق

کتاب «تاریخ تحلیلی جنگ ایران و عراق» تألیف حسین علایی است که تحولات جنگ عراق با ایران را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. از ویژگی‌های مهم این کتاب دوجلدی، حضور نویسنده در سطح عالی جنگ است. ایشان از فرماندهان ارشد سپاه در جنگ است که خود از نزدیک در جریان جنگ و پیشینه آنان بوده است. نویسنده در این کتاب به بررسی تهاجم اولیه عراق، به‌کارگیری و سازمان‌دهی مردمی توسط قوای ایرانی در آغاز جنگ، آزادسازی مناطق اشغالی، فتح بستان و خرمشهر، عبور از مرز و تعقیب دشمن، جنگ شهرها، جنگ نفت‌کش‌ها، به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی توسط عراق، ماجرای مک‌فارلین، جنگ آمریکا با ایران در خلیج فارس و قطعنامه‌های ۵۱۴، ۵۲۲، ۵۴۰ و ۵۹۸ سازمان ملل پرداخته است (علائی، ۱۳۹۵). تفاوت این پژوهش با عنوان فعلی در عدم تمرکز بر مسئله اصلی یعنی موضوع تداوم جنگ است، هر چند نویسنده در بخش بعدی کتاب خود به این مسئله پرداخته است.

### تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق پیش درآمدی بر یک نظریه

کتاب «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق پیش درآمدی بر یک نظریه»، تألیف محمد درودیان است که تلاش دارد با بررسی جنگ به‌عنوان یک مسئله استراتژیک، میان تجربیات جنگ هشت‌ساله با نیازها و ضرورت‌های حال و آینده، ارتباط و پیوستگی عمیق و منطقی برقرار کند، تا از این طریق امکان استفاده از تجربه دوران جنگ، برای تصمیم‌گیری در ساختار سیاسی و نظامی کشور فراهم گردد (درودیان، ۱۳۹۴). به‌عبارت‌دیگر، نویسنده به‌منظور استفاده از تجارب جنگ، گامی در جهت ارتقای مباحث از سطح عملیاتی به سطح راهبردی برداشته است. نویسنده در این کتاب بیشتر سعی دارد به کلیت جنگ و اهمیت تجارب آن برای آیندگان بپردازد. لازم به ذکر است که محمد درودیان یکی از راویان جنگ در دفتر سیاسی سپاه و از محققان نظامی در حوزه تاریخ‌نگاری جنگ است که آثار متعددی در ارتباط با تاریخ جنگ دارد. در پرونده نویسندگی محمد درودیان؛ مجموعه پنج جلدی سیری در جنگ شامل؛ خونین‌شهر تا خرمشهر، خرمشهر تا فاو، فاو تا شلمچه، شلمچه تا حلبچه و پایان پایان جنگ، مجموعه پنج جلدی نقد و بررسی جنگ شامل؛ پرسشهای اساسی جنگ، اجتناب‌ناپذیری جنگ، علل تداوم جنگ، روند پایان جنگ، گزینه‌های راهبردی در جنگ و نیز کتابهای

خرمشهر در جنگ طولانی، نبرد در شرق بصره و بازیابی ثبات نیز دیده می‌شود.

### تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق

کتاب «تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق»، تألیف حسین اردستانی است که در آن تحولات سیاسی - نظامی ایران، از تابستان ۱۳۶۱ تا فروردین ۱۳۶۷، مورد بررسی قرار گرفته است. توجه عمده نویسنده در این کتاب بیشتر معطوف به عملیات نظامی در دوره جنگ است (اردستانی، ۱۳۷۹). اردستانی در این کتاب به اهداف عملیات‌ها، وضعیت نیروهای رزمنده، توان نظامی و جغرافیای منطقه پرداخته است و به نوعی وقایع نظامی و روزمره جنگ را بیان داشته است. اردستانی به عنوان یک فرد شناخته شده نظامی که از راویان جنگ در دفتر سیاسی سپاه بوده، بیشتر بر بعد نظامی جنگ و پیامدهای آن تأکید دارد.

### به سوی صلح

کتاب «به سوی صلح» نوشته خاویر پراز دکوئیار<sup>۱</sup> دبیرکل سابق سازمان ملل متحد در دوران جنگ است (دکوئیار، ۱۳۷۹). دکوئیار در این کتاب، مأموریت‌های مختلفی را که از سوی مجمع عمومی یا شورای امنیت به وی واگذار شده بود، با نظم خاصی بازگو و جنگ را نه بر اساس توالی روزانه رویدادها، بلکه به صورت موضوعی دنبال می‌کند. بنابراین هر فصل کتاب پرونده‌ای است که او در سازمان ملل پی گرفته بود و به این دلیل اطلاعات مهمی از مواضع سازمان ملل و شورای امنیت در جنگ ایران و عراق ارایه می‌کند.

بررسی عوامل و زمینه‌های وقوع جنگ عراق علیه ایران و نقش آمریکا و شوروی در تداوم آن

این پایان‌نامه توسط عبدالله عراقی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد و با راهنمایی دکتر رضا جلالی نگارش یافته است (عراقی، ۱۳۹۱). سؤال اصلی این پایان‌نامه، نقش شوروی و آمریکا در آغاز و تداوم جنگ عراق علیه ایران است. در این پژوهش به سیاست‌های شوروی و آمریکا در ارتباط با ایران پس از انقلاب پرداخته است. عبدالله عراقی در این تحقیق، ریشه‌های وقوع جنگ را نتیجه واکنش نظام بین‌الملل و خصومت آن‌ها با انقلاب اسلامی دانسته است. منابع پایان‌نامه عمدتاً از نشریات و



فصلنامه‌های حوزه سیاست خارجی است. در مجموع فرسایشی شدن جنگ را تحت تأثیر مداخله‌های شوروی و به ویژه آمریکا می‌داند.

مقاله «بررسی نقش آمریکا در شروع، تداوم جنگ عراق علیه ایران و راه‌های اجتناب از غافلگیری»

این مقاله به تشریح زمینه‌های وقوع جنگ ایران و عراق، چگونگی پیدایش، تداوم و خاتمه آن می‌پردازد (بیگلریگی و عراقی، ۱۳۹۲). در این تحقیق به طور مختصر ابتدا زمینه‌های منطقه‌ای، اختلاف‌های مرزی و تاریخی بین دو کشور عراق، وقوع انقلاب اسلامی در ایران، دلایل عراق برای اقدام به جنگ، ویژگی‌های شخصیتی صدام حسین و در نهایت نقش ابرقدرت‌های بزرگ به‌ویژه آمریکا در این جنگ تشریح شده است. همچنین این تحقیق با تأکید بر نقش مؤثر عوامل ساختاری در سیاست بین‌الملل و استفاده از نظریه موازنه قوا، به بررسی علل وقوع جنگ می‌پردازد.

## تعریف مفاهیم جنگ

جنگ، پدیده‌ای اجتماعی است که درباره آن همانند دیگر مفاهیم، تعریف‌های مختلفی هست که هر یک بیانگر نگرشی خاص نسبت به جنگ است؛ به‌عنوان مثال، کلاوزوتیس معتقد است جنگ به کارگیری حد اعلای خشونت در راه خدمت به دولت یا کشور است (بوتول، ۱۳۷۴: ۲۷). البته همه جنگها در راه خدمت به دولت و کشور صورت نمی‌گیرد. کوئینی می‌گوید: «جنگ هنر سازمان دادن و به کارگرفتن نیروهای مسلح برای اجرای مقصود است» (نخجوان، ۱۳۱۷: ۳۵۱). تارد نیز در تعریف جنگ می‌گوید: «جنگ یک روش مصیبت‌بار و غیرابدی جدل اجتماعی است. جنگ محصول دو قیاس جمعی است که باهم در کشمکش هستند. اراده‌های دو ملت است که سرانجام هر دو ارتش علیه یکدیگر می‌جنگند» (بوتول، ۱۳۷۴: ۲۴). جنگ براساس معیارهای مختلف به چند نوع تقسیم می‌شود؛ به‌عنوان مثال براساس هدف، جنگ به جنگهای عادلانه و غیرعادلانه؛ بر مبنای مقیاسهای جغرافیایی به جنگهای محلی، منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و جهانی (عمومی)؛ با توجه به انضباط و تاکتیک به جنگهای منظم (کلاسیک) و نامنظم (چریکی)؛ براساس سطح جغرافیایی به جنگهای دریایی،

هوایی و زمینی و براساس قلمرو به جنگهای داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. این تقسیم یکی از جامعترین تقسیماتی است که برای جنگ بیان کرده‌اند (جفری‌ام‌الیوت، ۱۳۷۸: ۴۲۱).

### استراتژی (راهبرد)

استراتژی از کلمه یونانی stratus به معنای «ارتش» و agein به معنای «هدایت کردن» گرفته شده است و در واقع هنر هدایت ارتش را در رویارویی با دشمن تداعی می‌کند که باید با آن نبرد کرد (لاکوست و ژیلبن، ۱۳۷۸: ۱۶۰). کاربرد علمی مفهوم استراتژی از قرن هجدهم به پس و در نتیجه بهره‌گیری از تجربیات فرماندهان نظامی در جنگهای این قرن توسط هنری لوید و پسها کلازویتس رواج گرفت و از صحنه نبرد فراتر رفت (افتخاری، ۱۳۸۴: ۲۲). کلازویتس با جداکردن مفهوم استراتژی و تاکتیک کوشید تا تعاریف دقیقتری از این مفاهیم ارائه کند. وی هنر جنگ را به‌عنوان مفهوم قدیمی استراتژی به معنای تاکتیک به کار برد و آن را محدود به صحنه نبرد تلقی کرد در حالی که استفاده از نیروی نظامی برای دستیابی به هدف جنگ را استراتژی در نظر گرفت که به خارج از صحنه نبرد مربوط بود. با این تحول در مفهوم جدید استراتژی، که کلازویتس مبدع آن بود، نه تنها معنای استراتژی از کاربرد نظامی آن فراتر رفت، بلکه افقهای جدیدی نیز گشوده شد که در سالهای پس، زمینه شکل‌گیری مطالعات استراتژیک به‌عنوان حوزه علمی مستقل را فراهم کرد؛ بدین ترتیب، تحول مفهوم استراتژی در عصر جدید باعث شد تا تعیین کند که چه اهدافی باید محقق شود؛ کجا باید تمرکز کرد و اینکه چگونه رقابت و تخصیص منابع مشخص شود (کالینز، ۱۳۸۳: ۵۴).

### صلح

دو تعریف از صلح ارائه می‌شود: در تعریف اول برخی آن را در برابر جنگ عنوان می‌کنند و در تعریف دوم مفهوم صلح به‌طور مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرد. امروز بر خلاف اندیشه رایج در مورد صلح در گذشته که کمتر از آن سخن می‌رفت بر مراتب بیشتر سخن به میان می‌آید و سعی در ارائه راهکارهای جدید برای رسیدن به آن در مجامع علمی و سیاسی می‌شود. دبلیو. بی. گالی در کتاب فیلسوفان جنگ و صلح به بررسی دیدگاه اندیشمندانی چون کانت، کلازویتس، مارکس، انگلس و تولستوی پرداخته است و بر تفاوت آرای آنان در مورد مفهوم صلح اذعان می‌کند. در مجموع می‌توان تعاریف درباره صلح را این‌گونه دسته‌بندی کرد:

تعریف طبیعی: انسانها بدون اینکه به صلح فکر کنند در صلح زندگی می‌کنند و آن را درست مانند موضوعی کاملاً طبیعی و قائم به ذات می‌دانند.

تعریف ضد جنگ: صلح در ارتباط با جنگ و همچون مقوله‌ای متضاد با جنگ تعریف می‌شود.

تعریف اسطوره‌ای: در این تعریف از تعبیر آرمانی سخن به میان می‌آید (بوتول، ۱۳۷۱: ۳۰).

### مرز جغرافیایی

مرز، مفهوم سیاسی دارد که معیار جداسازی واحدهای حکومتی و تعیین قلمروی قدرت اجرایی هر نوع حاکمیتی است. این معیارهای جداسازی می‌تواند طبیعی یا مصنوعی باشد؛ ولی توافق دو طرف و قراردادی بودن از ویژگیهای اصلی مرزها به‌شمار می‌رود. (مهاجرانی، ۱۳۸۵: ۱۶). در جغرافیای سیاسی مرز به خط اعتباری و قراردادی گفته می‌شود که به‌منظور تحدید یک واحد سیاسی روی زمین مشخص می‌شود؛ به عبارت بهتر مرزهای سیاسی خطوطی قراردادی است که نشاندهنده قدرت حکومت مرکزی است و اکثراً ساخته و پرداخته جنگ است (عزتی، ۱۳۸۶: ۷۸). به باور جغرافیدانان سیاسی، مرز به مفهوم کنونی آن تا همین اواخر وجود نداشت. انسان کهن، انتهای فتوحات خود را سرحد می‌نامید که به معنای آخرین حد پیشروی یک امپراتوری در نواحی اطراف خود بود و اغلب تصادفی به وجود می‌آمد و تصمیم و موافقت قبلی حکومتها در تشکیل آن نقشی نداشت (مجتهدزاده، ۱۳۷۸: ۴۱).

### دلایل، اهداف و راهبرد رژیم عراق در شروع جنگ

دلایل وقوع جنگها متغیرهایی است که عموماً در محیط ملی دو کشور درگیر و در عرصه بین‌المللی ظهور می‌یابد و از تعارض یا تضاد منافع و یا کاهش و افزایش قدرت ناشی می‌شود؛ بدین ترتیب می‌توان کاهش قدرت ملی، بی‌ثباتی سیاسی، کاهش قدرت بین‌المللی و رقابت برای کسب منافع بیشتر را از جمله دلایل وقوع جنگها بر شمرد (اردستانی، ۱۳۷۹: ۵۷). درباره دلایل دولت عراق برای جنگ با ایران باید به چند نکته توجه کرد: اول اینکه صدام حسین در حالتی به قدرت رسید که اوضاع ملی عراق، ایران و نظام بین‌الملل را برای دستیابی به اهداف خود مساعد می‌دید. دومین نکته وجود زمینه‌ها و بسترهای تاریخی و ساختاری بین ایران و عراق بود که بهانه لازم را برای حمله نظامی ارتش عراق می‌داد. صدام

حسین درباره دلایل آغاز جنگ با ایران طی یک مصاحبه مطبوعاتی با مجله اشپیگل آلمان، ایران را به نقض قرارداد الجزایر و دخالت در امور داخلی این کشور در این موارد متهم کرد:

- تهدیدات ایران با استقرار توپخانه در نوار مرزی بصره برای درهم کوبیدن تأسیسات اقتصادی و پالایشگاه نفتی این شهر

- دخالت ایران در امور داخلی عراق و تلاش برای صدور انقلاب به این کشور

- بمباران دهات و شهرهای مرزی عراق در ۴ سپتامبر ۱۹۸۰

- ادعای رژیم عراق مبنی حاکمیت ناحق ایران بر شطالعرب و نیز جزایر تنب بزرگ،

تنب کوچک و ابوموسی

- نقض قرارداد الجزایر از سوی ایران به دلیل دخالت در امور داخلی عراق (اسناد وزارت

خارج، سند شماره ۱۸۵۳۴، کد 1986-s).

نکته دیگر اینکه عراق در تجاوز به ایران، اهداف بلندمدت و همه‌جانبه‌ای را در نظر داشت که از بارزترین آنها پرکردن خلأ قدرت در منطقه بود. صدام با به هم خوردن موازنه قوا در منطقه حیاتی خلیج فارس سعی کرد تا با ایفای نقش در تغییر قدرت آینده سهم بسزایی داشته باشد و با همسو کردن آمریکا به ژاندارمی منطقه برسد. بنابراین دستیابی به برخی از مناطق حساس و راهبردی ایران مثل حاکمیت بر اروندرود در این راستا تعریف شده بود (رضایی، ۱۳۹۰: ۷۱). صدام حسین درباره اهداف نظامی و سیاسی عراق در آغاز جنگ می‌گوید: «جنگ در واقع اراده رسیدن به اهداف معین با استفاده از وسایل مبارزه است. در بخش نظامی هدف اصلی در مرحله اول دور کردن توپخانه‌های ایران از مواضعشان در نقاط مرزی است که دهات و شهرهای ما را در ۴ سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی مورد اصابت قرار می‌دادند. دوم خارج کردن ارتش ایران از مواضع مهم راهبردی در نقاط مرزی بود تا ایرانیان نتوانند به داخل عراق حمله نظامی کنند؛ اما در بخش سیاسی، هدف ما به رسمیت شناختن حق حاکمیت عراق بر مناطق شطالعرب و سرزمینهای مجاور آن است که ایران طی قرارداد الجزایر و به زور نظامی غصب کرده بود. هم‌چنین ایران باید به حقوق عراق نسبت به سه جزیره تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی اعتراف کند و هیچ‌گونه دخالتی در امور داخلی عراقی نکند. (اسناد وزارت خارج، سند شماره ۳۸۶۵، کد 1986-s)؛ بدین ترتیب برای رسیدن به این اهداف، دولت عراق با اتخاذ راهبرد جنگ سریع و کوتاه‌مدت، تهاجم خود را علیه ایران در

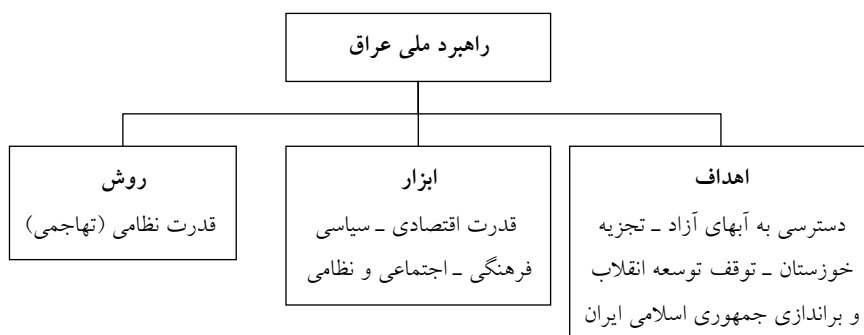
تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ شمسی، آغاز کرد (مختاری و رشید، ۱۳۸۴: ۴۴). به طور کلی اهداف رژیم بعثی عراق عبارت بود از:

- حل مسئله ژئوپلیتیکی دسترسی به آبهای خلیج فارس با تصرف بخشهای عمده‌ای از خوزستان

- لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر با تصرف خرمشهر و آبادان و حاکمیت بر اروندرود

- تثبیت نتایج و اتخاذ راهبرد پدافندی در مناطق متصرفی (روز شمار جنگ ایران و عراق، ج ۴: ۲۲).

اهداف رژیم عراق در تحمیل جنگ، بیانگر چند ملاحظه اساسی است: نخست اینکه دولت عراق با عضویت در پیمانها و اتحادیه‌های نظامی، که از قبل طراحی شده بود، روند راهبرد تهاجمی خود را تسریع بخشید. دوم اینکه میان اهداف عراق پیوستگی وجود داشت به این معنا که تأمین هر کدام از اهداف در تأمین هدف دیگر مؤثر واقع می‌شد و دسترسی به این اهداف تنها با استفاده از قدرت نظامی امکانپذیر بود؛ به عبارت دیگر رژیم بعثی عراق بدون پیروزی نظامی بر ایران قادر به تأمین هیچ یک از اهداف خود نبود. بنابراین صدام حسین پس از فراهم‌سازی شرایط سیاسی، نظامی و تجهیز ۱۲ لشکر، ۱۵ تیپ مستقل و ۲۰ تیپ مرزی برنامه تهاجم به خاک ایران را از سه منطقه جنوب، غرب و شمال غرب طراحی کرد. نمودار ذیل، راهبرد ملی عراق را در آغاز جنگ نشان می‌دهد:



نمودار ۱. راهبرد ملی عراق در جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه جمهوری اسلامی ایران

سردار حسین علایی درباره نتایج عملیاتیهای عراق از زمان آغاز تهاجم تا مرحله تثبیت نیروهایش در قلمروهای متصرفی، که ۵۶ روز به طول انجامید، معتقد است عراق بجز تصرف ناتمام خرمشهر و چند شهر مرزی که شامل ۱۵ هزار کیلومتر مربع از سرزمینهای ایران بود به هیچ یک از اهداف خود دست نیافت (علایی، مصاحبه، ۹۲/۵/۲۵). سردار کوسه‌چی دلایل عدم موفقیت ارتش عراق را در جنگ چنین بر می‌شمارد:

- صدور فرمانهای روحیه بخش حضرت امام که باعث وحدت و هماهنگی بین رزمندگان اسلام شد.

- سرعت بخشیدن به آمادگی رزمی و سازماندهی نیروهای نظامی

- وارد شدن نیروهای بسیج مردمی به جنگ

- حضور روحانیون رده بالا در جنگ که موجب افزایش روحیه رزمندگان بود.

- اقدامات مهم نیروی هوایی و نیروی زمینی ارتش در وارد کردن خسارت به دشمن

(کوسه‌چی، مصاحبه، ۹۲/۲/۴).

### اهداف و راهبرد ایران در دوره جنگ

همان گونه‌ای که دولت عراق و قدرتهای بزرگ در صدد مدیریت بحران برای رسیدن به مزیت نسبی در برابر ایران بودند، ایران نیز تلاش کرد تا در دوران جنگ از نشانه‌های مدیریت بحران برای مشروعیت‌زدایی از عراق و حمایت‌های بین‌المللی آن کشور بهره‌گیری کند. به‌طور کلی راهبرد جمهوری اسلامی ایران در رویارویی با جنگ عراق تدافعی بود و حتی هدف از برخی حملات، که پس از فتح خرمشهر به خاک عراق در سطح عملیاتی انجام شد، صرفاً به‌منظور عمق‌بخشی دفاعی و ایجاد امنیت بیشتر مرزهای بین‌المللی انجام می‌گرفت. از آنجا که تجاوز ارتش عراق به ایران با این افق و دید صورت گرفت که کشور ایران به‌دلیل درهم‌ریختگی حاصل از انقلاب، بی‌انگیزه‌بودن ارتش و اعدام سران آن و همچنین قطع ارسال سلاح‌های غربی به ایران، طی همان هفته‌های اول از پا در خواهد آمد، آنچه در پیش‌بینی عراق و حامیانش لحاظ نشده بود، حضور و بسیج وسیع نیروهای مردمی به‌سوی جبهه‌های نبرد و تصمیم به دفاع و مقابله با تجاوزگری عراق بود. علاوه بر این، عراق و غرب هنوز درک روشنی از شخصیت رهبری انقلاب اسلامی و سازش‌ناپذیری ایشان نداشت؛ چنانکه با اعلام امام خمینی رحمت‌الله‌علیه مبنی بر لزوم مقاومت و بیرون راندن دشمن از سرزمین اسلامی و

نامگذاری جنگ تحت عنوان اسلام و کفر، حرکت مردم به سوی جبهه‌ها آغاز شد. بنابراین، در اولین مرحله مقاومت‌های مردمی، نیروهای متجاوز عراقی زمینگیر شدند و به تدریج از نیمه اول مهرماه مشخص شد که جنگ برق‌آسای مورد نظر رژیم عراق در حال تبدیل شدن به جنگ فرسایشی است؛ موضوعی که ارتش عراق کمترین برنامه‌ای برای آن نداشت و تصور آن را هم نمی‌کرد (اردستانی، ۱۳۷۸: ۹۶). البته دولت ایران نیز برای سالها جنگ طولانی و فرسایشی برنامه‌ای تدارک ندیده بود و حتی در شروع جنگ دچار غافلگیری شد. بنابراین محور اصلی کنش راهبردی ایران در زمان جنگ تحمیلی را می‌توان مقابله با تهاجم نظامی عراق دانست. اینجا این پرسش مطرح می‌شود که راهبرد ایران در دوره جنگ تابع چه متغیرهایی بود. به طور کلی، می‌توان گفت که انگاره‌ها و معتقدات عمده رهنامه نظامی توسط رهبری سیاسی و نظامی هر ملت بر حسب نظام اجتماعی و سیاسی، سطح اقتصادی، توسعه علمی، تجهیزات و توان نیروهای مسلح خود و دشمن سازماندهی می‌شود (زهدي، ۱۳۹۴: ۴۴).

بنابراین راهبرد و الگوی رفتاری ایران در دوران جنگ تحمیلی را می‌توان براساس این مؤلفه‌ها و براساس نظریه سیستمیک مورد بررسی قرار داد. ویژگیهای نظریه سیستمیک بیانگر این است که موفقیت در نبردهای منطقه‌ای از طریق اقدامات چندجانبه شامل تبلیغات، دیپلماسی و گسترش حوزه تعامل بین‌المللی امکانپذیر خواهد بود و ایران باید الگو و راهبرد ملی خود را براساس این زمینه‌ها طراحی می‌کرد (کدی، ۱۳۷۹: ۲۷۶). یکی از اقدامات ایران در این زمینه، ائتلاف‌سازی منطقه‌ای ایران بود؛ همان‌طور که در روند جنگ تحمیلی، بیشتر کشورهای منطقه‌ای، حمایت خود را از صدام حسین به انجام رساندند. در این فرایند، بخش قابل توجهی از کشورهای جهان عرب، اصلی‌ترین حامی صدام حسین در جنگ علیه ایران به‌شمار می‌رفتند. آنان تلاش کردند تا زمینه‌های مقابله و محدودسازی هویت انقلابی ایران را فراهم آورند؛ اما، در مقابل، ایران توانست زمینه‌های لازم را برای انشعاب در جهان عرب به‌وجود آورد. در آن دوره کشورهای لیبی و سوریه، اصلی‌ترین مخالفان عراق در جنگ علیه ایران بودند و این فرصت مناسبی را برای ایران پدید آورد تا بتواند تجهیزات موشکی خود را تأمین کند. از طرفی ایران در صدد بود تا این موضوع را برای کشورهای عربی غرب آسیا تبیین کند که حمله رژیم بعث عراق به ایران بخشی از راهبرد «جنگهای نیابتی»<sup>۱</sup> جهان غرب

## 1. Proxy war

علیه کشورهای انقلابی است. شواهدی که ایران به کار می‌گرفت، نشان می‌داد که حمله نظامی این رژیم علیه ایران براساس تأثیرگذاری و «تشویق»<sup>۱</sup> قدرتهای بزرگ انجام گرفته است. بنابراین، این امر توانست زمینه‌های لازم را برای افزایش حمایت‌های سوریه و لیبی از ایران فراهم کند (Cottam, 1988: 6).

### راهبردهای ملی عراق پس از شکست در سال ۱۳۶۱ شمسی

دولت عراق تا پیش از شکست در سال ۱۳۶۱ شمسی در پی رسیدن به دستاوردهای بزرگی مانند تصرف خوزستان و دسترسی به آبهای آزاد خلیج فارس بود؛ ولی، پس از چند شکست پی‌درپی از نیروهای ایران در سالهای ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ شمسی، راهبرد عراق تغییر کرد به طوری که در ۳۰ خرداد ۱۳۶۱ شمسی، صدام حسین در یک سخنرانی رادیو و تلویزیونی در بغداد اعلام کرد که دولت عراق به منظور نشان‌دادن حسن نیت خود در پایان دادن به جنگ و هم‌چنین اعلام آمادگی برای مبارزه با رژیم صهیونیستی، از تاریخ ۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۱ شمسی (۱۹۸۲ میلادی)، طی ده روز، تمام نیروهای خود را از خاک ایران خارج خواهد کرد (روزشمار نزاجا در جنگ ایران و عراق، خرداد ۱۳۶۱ شمسی). البته هدف صدام حسین از اتخاذ راهبرد دفاعی و روش عقب‌نشینی نه به منظور آماده‌کردن نیروهایش برای جنگ با رژیم صهیونیستی و دفاع از لبنان بود و نه برای نشان‌دادن حسن نیت خود برای صلح در آستانه برگزاری اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد در بغداد، بلکه انگیزه مهم صدام از این اقدام یکی ناتوانی در حفظ برتری نظامی و دیگر تحمیل شرایط جدید سیاسی به ایران بود. در واقع تصمیم صدام برای اعلام آتش‌بس پس از خرداد ۱۳۶۱ شمسی، جلوگیری از انهدام و نابودی کامل نیروهای عراقی در صورت تداوم جنگ در داخل خاک ایران بود. علاوه بر این صدام حسین، عدم پشتیبانی لازم از مرکز فرماندهی عراق با قرارگاه‌های میدان جنگ به علت طولانی‌بودن محورهای مواصلاتی و نیز عدم انگیزه کافی بین سربازان و ارتشیان عراقی برای جنگیدن در اراضی دشمن را از جمله دلایل عقب‌نشینی عنوان می‌کند (سامرایی، ۱۳۹۳: ۳۶۷).

سرکنسولگری ایران در ترکیه، که چند روزی به شکل ناشناس به عراق سفر کرده بود، اوضاع داخلی عراق را پس از شکست در خرمشهر چنین گزارش می‌کند:

«بسیاری از نظامیان و مردم عراق از ادامه جنگ خسته شده‌اند. آنها با حضور در اماکن



مقدس و با توسل به زیارت، توقف و پایان جنگ را می‌طلبند. در سراسر عراق به‌جز عکس صدام بر دیوارها، چیز دیگری مشاهده نمی‌شود. مردم با کمبود مواد اولیه و مخصوصاً بنزین روبه‌رو هستند. البته عربستان هر روز صدها کامیون کمک نظامی و غیرنظامی را به بغداد می‌فرستند. صدام حسین نیز طی یک سخنرانی از مواضع کشورهای عرب عضو شورای همکاری خلیج فارس به‌دلیل کمکهای مالی و اقتصادی خوبی که به عراق کرده‌اند، تشکر می‌کند. او همچنین از دولت فرانسه می‌خواهد به تعهدات خود عمل کند و به‌موقع هواپیماهای سوپر اتانارد<sup>۱</sup> را تحویل عراق بدهد تا ایران نتواند تهدید به بستن تنگه هرمز کند (ماد، شماره ۷۶۹۱، کد ۱۸۸۳.س). گزارش سرکنسول ایران دربارهٔ وضعیت عراق حاوی یک نکتهٔ مهم بود و آن درخواست عراق از فرانسه برای تحویل هواپیماهای جنگی پیشرفته بود که نشان می‌داد رژیم بعثی عراق در پی تقویت تجهیزات جنگی است؛ بنابراین، رصد این اخبار نمی‌توانست علامت خوبی برای پذیرش درخواست آتش‌بس عراق از سوی ایران باشد. از طرفی طارق عزیز، وزیر خارجهٔ عراق نیز در یک کنفرانس خبری دربارهٔ تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر به ایران هشدار می‌دهد و اظهار می‌کند، چنانچه ایران بخواهد به جنگ ادامه دهد، بحران اقتصادی بزرگی به‌وجود خواهد آمد؛ بنابراین، بهتر است ایران عاقلانه عمل کند و به جنگ پایان دهد تا کشورش مجبور به استفاده از هواپیماهای جنگنده سوپر اتانارد نشود (ماد، شماره ۷۶۹۲، کد ۱۸۸۳.س). روزنامه واشینگتن پست نیز طی گزارشی از اوضاع عراق در جنگ چنین می‌نویسد: نیروهای نظامی عراق خسته به نظر می‌رسند و اعتماد آنها به علت شکست بدی که داشتند، درهم شکسته است. با توجه به میل ایران و بویژه پاسدارهای سپاه برای جنگیدن تا سرحد مرگ، راهبرد کنونی ارتش عراق ایجاب می‌کند که به فکر تحکیم استحکامات دفاعی خود به‌منظور جلوگیری از پیشروی نیروهای ایرانی باشد (ماد، شماره ۷۶۹۳، کد ۱۸۸۳.س). یکی دیگر از مشکلات دولت عراق پس از شکست در ۱۳۶۱ شمسی، کمبود نیرو و پرسنل نظامی ارتش

۱. در ۱۹۸۲، عراق در تلاش برای خرید جنگنده‌ای بود که بتواند در مقابل ایران حرفی داشته باشد. برای این امر با فرانسه وارد گفتگو شد و درخواست خرید جنگنده F-1 از نوع EQ از فرانسه کرد. فرانسه قبول کرد؛ اما مدتی پس اعلام کرد که خط تولید این نوع جنگنده دیگر جا ندارد ولی در عوض می‌تواند به جای آن، هواپیماهای سوپر اتانارد را برای مدت محدودی به عراق قرض بدهد. عراق از این پیشنهاد بسیار خوشحال شد؛ زیرا این نوع جنگنده برآب از دیگر جنگنده‌ها پیشرفته‌تر بود. این نوع جنگنده از توان برتریهای الکتریکی و نیز توان حمل موشکهای مرگبار نسبت به جنگنده‌های مشابه برخوردار بود (صف، ماهنامهٔ ارتش جمهوری اسلامی ایران، ش ۳۶۹: ۳۶).

بود، که توانست برای جبران این مشکل چند اقدام انجام می‌دهد. گزارشهای اسنادی نشان می‌دهد که صدام حسین پس از شکست در خرمشهر برای حل مشکل کمبود پرسنل و نیروی انسانی در ارتش، سرلشکر ستاد ابراهیم خلیل، رئیس اداره نظام وظیفه را احضار می‌کند و از او می‌خواهد به هر طریق ممکن جوانان عراقی را به جبهه بیاورد؛ در غیر این صورت ناچار می‌شود مدت خدمت وظیفه را افزایش بدهد (ماد، شماره ۲۸ - ۲۲۵، کد s-251). از جمله اقدامهای عراق برای جبران کمبود نیروی انسانی در جنگ این بود که جوانان ایرانی‌الاصلی را که پدر و مادر آنها طی دو سال گذشته (۱۹۸۰ - ۱۹۸۲ میلادی) به ایران بازگردانده شده بودند و آنها را در زندان ابوغریب نگهداری می‌کرد از زندان آزاد کند و تحت آموزش نظامی برای اعزام به جنگ قرار بدهد. البته عراق از بیم پنهان‌شدن این افراد به ایران، آنها را بین واحدهای مختلف تقسیم کرد و تحت مراقبت شدید قرار می‌داد (ماد، شماره ۳ - ۳۶۳، کد s.۲۸۹). همچنین، اتفاق دیگر پس از فتح خرمشهر در بصره، اجبار اهالی بسیاری از روستاهای بصره برای اجرای دوره‌های آموزش نظامی کوتاه و وارد شدن به جمع نیروهای نظامی عراق بود که این خواسته استنادار بصره با واکنش و مخالفت شیوخ<sup>۱</sup> و بزرگان آن روستاها روبه‌رو شد که در نتیجه، شیوخ مخالف این طرح را دستگیر کردند و به بغداد برای محاکمه انتقال دادند؛ حتی دولت عراق تمام متولدان سال ۱۹۴۹ میلادی را (۱۳۲۸ شمسی) که دوره سربازی خود را انجام داده بودند و نیروی ذخیره بودند به خدمت فرا خواند (ماد، شماره ۳۲ - ۱۱۳، کد s-251).

### راهبرد ملی ایران پس از فتح خرمشهر

پس از آزادسازی خرمشهر و به تصور نزدیک بودن پایان جنگ، بسیاری از مردم کشور برای بازسازی شهرها و مناطق جنگی اعلام آمادگی کردند. دولت نیز به‌منظور بازسازی خرمشهر و دیگر شهرها و روستاهای آسیب‌دیده از جنگ، «شورای عالی بازسازی مناطق جنگی» را به وجود آورد تا خرابیهای جنگ را بازسازی کند؛ البته، این اقدام در آن مقطع مورد استقبال رهبری انقلاب قرار گرفت و ایشان در ۱۸ مرداد ۱۳۶۱ شمسی ضمن برگزیدن آیت الله یوسف صانعی به‌عنوان نماینده خود در این شورا، توفیق دولت جمهوری اسلامی را در برنامه‌ریزی صحیح و حساب شده در بازسازی هرچه بهتر از خداوند خواستار شدند (امام

۱. نام شیوخ مخالف بصره: ابوعمار ساکن قبیله بنی صالح، سیدجاسم موسوی ساکن جراحیه، سید طاهر ساکن جراحیه، اباطس و ابوالوس ساکنین بنی صالح.

خمینی، ج ۱۶: ۲۶۷). با پیدایش این وضعیت در داخل ایران، شاید بتوان چنین برداشت کرد که برنامه‌ریزی برای بازسازی شهرها و خرابیهای جنگ، نشان‌دهنده تمایل ایران برای پایان‌دادن به جنگ بود؛ اما، منطق حاکم بر تصمیم‌گیری ایران از ملاحظات متفاوتی تأثیر می‌پذیرفت. در این روند تجربیات سیاسی، نظامی، مبانی اعتقادی، منافع و مصالح کشور و خیلی چیزهای دیگر، که به‌طور کلی از آنها تحت عنوان محیط روانی یاد می‌شود، می‌تواند نقش بسیار مهمی در تصمیم‌گیری برای شرایط ایجادشده پس از آزادسازی خرمشهر داشته باشد. نکته مهم درباره چگونگی وضعیت ایران پس از پیروزیهای ایران در سال ۱۳۶۱ شمسی، این بود که ایران، همچنان در وضعیت و فضای انقلابی قرار داشت. از این‌رو، احساس و رسالت انقلابی بر تفکرات و رفتار مسئولان نظام سایه افکنده بود. در نتیجه، میان تفکر رسالت انقلابی و تأمین امنیت نظام، نوعی پیوستگی برقرار شده بود که بر راهبرد ملی ایران تأثیر می‌گذاشت. به‌طوری که پس از پیروزی در خرمشهر، این تصور به وجود آمد که اگر انقلاب و نظام حاکم در موضع دفاعی قرار بگیرد و در مرزهای داخل محصور بشود، دیگر امکان ادامه بقا و امنیت نظام وجود ندارد (درودیان، ۱۳۸۳: ۱۲۹). البته، علاوه بر احساس تکلیف و رسالت انقلابی در تصمیم‌گیرندگان ادامه جنگ، نوعی اعتماد به نفس قوی که تحت تأثیر پیروزیهای پی‌درپی در هشت ماه گذشته بود، بین فرماندهان و نیروهای نظامی به وجود آمد؛ به این ترتیب، جنگ برای تأمین اهداف محقق‌نشده و نیز برای جلوگیری از قدرت‌یابی دوباره ارتش عراق باید ادامه می‌یافت؛ اگرچه این تصمیم تجربه‌ای برای مسئولان سیاسی و فرماندهان نظامی ایران شد که نباید در اوج گرمای تابستان خوزستان و با باد غرور به حمله دست زد؛ بدین ترتیب، راهبرد ایران پس از فتح خرمشهر، تهاجم نظامی و بهره‌گیری از نیروی انسانی برای اجرای عملیات همزمان در چند جبهه بود تا بتواند عراق را از تقویت نیروها و استحکامات دفاعی خود محروم کند (کردزمن و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۹۵)؛ اما این راهبرد، نتیجه مطلوبی به بار نیاورد و ایران نتوانست به اهدافش برسد. دلایلی که برای شکست راهبرد ایران پس از فتح خرمشهر مطرح می‌شود، عمدتاً به تردیدها و اختلاف‌های نیروهای نظامی اختصاص دارد. حسن کوسه‌چی دلایل ناکامی ایران را در اتخاذ راهبرد تهاجمی پس از فتح خرمشهر در وجود تردید و نبودن دیدگاه‌های مشترک بین فرماندهان نظامی سپاه و ارتش و نیز تصمیمات سریع و بیموقع در آن مقطع می‌داند (کوسه‌چی، مصاحبه، ۱۳۹۶/۱۰/۲۵). بهروز صفری‌کیا نیز

به طور کلی در ارزیابی خود، عوامل زیر را در ناکامی عملیات رمضان و طرح راهبرد ورود به داخل خاک بصره عنوان می‌کند:

۱. تردید بین رزمندگان برای ورود به خاک عراق با توجه به مخالفت امام در جلسه اول شورای عالی دفاع

۲. ضعف اطلاعات نیروهای ایرانی و عدم تصور صحیح از ارتش عراق در جنگیدن داخل خاک خودشان

۳. کمبود تجهیزات زرهی و وسایل مهندسی نظامی

۴. اجرای عملیات در گرمای شدید تابستان (صفری‌کیا، مصاحبه، ۱۳۹۶/۱۱/۲۰).

لازم به ذکر است که از سال ۱۳۶۱ شمسی وحدت فرماندهی را مطرح شد که این امر محقق شود؛ چون کارکردن با دو فرمانده امکانپذیر نبود. در مورد تخصص نیروها نیز بین ارتش و سپاه تمایزهایی بدین شکل بود که هر یک دارای چارچوب فکری خاص خود برای عملیاتها بودند؛ به عنوان مثال، سپاه به دلیل کمبود تجهیزات جنگی بر نیروی پیاده، غافلگیری و جنگ نامتقارن در شب تأکید می‌کرد و در مقابل ارتش به نیروی توپخانه، جنگ در روز و نیروی زرهی تأکید داشت. (غلامپور، مصاحبه، ۱۳۹۷/۴/۲۷). بر این اساس پس از عملیاتهای خیر و بدر، سپاه و ارتش براساس مصوبات شورای عالی دفاع، عملیاتها را جداگانه طرحریزی و اجرا کردند. البته، به لحاظ پشتیبانی با یکدیگر همکاری می‌کردند؛ به طور مثال، سپاه در امور شناسایی و اطلاعات، بهداری و رزمی مهندسی به ارتش کمک می‌کرد و ارتش نیز در هوانیروز و توپخانه به سپاه کمک می‌کرد (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۴۵).

### دلایل و علل تداوم جنگ

در بحث ترک مخاصمه و یا تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر و شکست ارتش عراق در سال ۱۳۶۱ شمسی، نظریات متفاوتی با دو رویکرد «تبیینی» و «انتقادی» مطرح شده است. منظور از رویکرد تبیینی، تشریح ضرورت ادامه جنگ در خاک عراق و علت طولانی شدن آن با استفاده از مؤلفه‌های سیاسی، حقوقی، نظامی، اقتصادی و غیره است. در رویکرد انتقادی، بیشتر منازعات سیاسی و نقد مدیریت سیاسی و نظامی کشور برای تصمیم‌گیری درباره ادامه جنگ بدون توجه به شرایط و تنها براساس نتایج برای کشور مدنظر بوده است. در این بخش از نوشتار سعی می‌شود ضمن در نظر گرفتن دو رویکرد تبیینی و انتقادی، مسئله تداوم جنگ

براساس رویکرد توصیفی-تحلیلی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. با توجه به حجم و گستردگی اطلاعات درباره موضوع مورد نظر به نظر می‌آید که مسئله ادامه جنگ را نمی‌توان به یک یا چند فرضیه محدود کرد؛ بلکه، برای روشن ساختن واقعیت‌ها باید ماهیت جنگ و چرایی ادامه آن را در ابعاد مختلف حقوقی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و ژئوپلیتیک بررسی کرد. در ادامه، با استفاده از اسناد منتشر نشده اطلاعاتی و همچنین مصاحبه‌های مختلف میدانی به این مسئله مهم در تاریخ‌نگاری جنگ پرداخته شده است.

#### ۱. عدم تحقق اهداف و خواسته‌های عراق

یکی از علل تداوم جنگ، ناشی از ناکامی رژیم بعث عراق در دستیابی اهداف مورد نظر به هنگام شروع تهاجم به ایران بود. برای اثبات این منظور باید بررسی کرد که پیشنهاد آتش‌بس در چه شرایطی مطرح شد. آیا پیشنهاد آتش‌بس و عقب‌نشینی ارتش عراق به مرزهای اولیه از روی ضعف بود و عراق با این اقدام موقت تاکتیکی، قصد جلوگیری از انهدام نیروهایش در داخل ایران و نیز گرفتن زمان را داشت و یا مسئولان عراقی واقعاً در پی صلح شرافتمندانه، عقب‌نشینی کردند و درخواست آتش‌بس دادند. با وجود ادعاهای برخی مقامات عراقی همچون شفیق الدراجی نماینده دولت عراق در عربستان که اعلام کرد دولت عراق آمادگی پذیرفتن هر سه شرط ایران را دارد (ماد، سند شماره، ۱۵۱۸، s-1985)، در یک سند دیگر مشاهده می‌شود که آنها در واقع سعی می‌کنند با خرید وسایل و تجهیزات نظامی از حامیان خود مثل شوروی، عربستان و کویت، نیازهای ارتش شکست خورده خود را تأمین کنند (ماد، سند شماره ۱۰۸۵۳۵، کد s-1985). بنابراین، تلاش رژیم بعث عراق برای خرید تجهیزات نظامی پیشرفته پس از فتح خرمشهر، نمی‌تواند دلیل مناسبی برای پایان آتش‌بس باشد. از طرفی، باید توجه کرد که صدام حسین و حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی او به اهداف از پیش تعیین‌شده خود در جنگ نرسیده بودند. در نتیجه، می‌توان چنین برداشت کرد که درخواست آتش‌بس پس از فتح خرمشهر به نوعی یک اقدام تاکتیکی موقت برای پایان جنگ در آن مقطع بوده است.

#### ۲. افزایش درآمدهای ارزی ایران در سال ۱۳۶۱ شمسی

اگرچه پس از انقلاب تولید نفت به شدت کاهش یافت؛ در سال ۱۳۵۸ به‌طور متوسط ۳/۸۸ میلیون بشکه در روز نفت صادر می‌شد. این روند در سال ۱۳۵۹ به علت فشارهای سیاسی و نیز تحمیل جنگ به ۱/۷ میلیون بشکه و سپس، در سال ۱۳۶۰ به ۱/۴۴ میلیون بشکه

در روز کاهش یافت. مجموع درآمد نفتی ایران نیز در سال ۱۳۵۸ به ۱۹/۳ میلیارد دلار، در سال ۵۹ به ۱۱/۶ و در سال ۶۰ به ۱۲/۴ میلیارد دلار کاهش پیدا کرد (کیهان: ۱۳۵۹/۷/۲۹). این آمار و ارقام برای کشوری که در سال ۱۳۵۶ صادرات نفتی‌اش ۲۰/۷ میلیارد دلار و صادرات غیرنفتی آن (گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی ایران، ۲۴۱ و ۲۴۰) برابر ۵۲۳ میلیون دلار بوده است، (یعنی نسبت صادرات نفتی به غیرنفتی‌اش بیش از ۳۵ برابر بوده است) و تولید کشور به شدت به ارز خارجی وابسته بوده است و واردات کالایی سالیانه‌اش به ۱۴/۲ میلیارد دلار بالغ شده است، فاجعه اقتصادی به‌شمار می‌رفت و نشانگر این بود که نظام جهانی در صدد است تا پدیده جدید انقلاب اسلامی را به هر شکل ممکن از بین ببرد. البته، باید توجه کرد که قیمت نفت به دلیل انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، به شدت افزایش یافت؛ بنابراین، این افزایش قیمت باعث شد تا با وجود کاهش صادرات نفتی ایران، درآمد ارزی آنگونه که طراحان محاصره و تحریم اقتصادی ایران پیش‌بینی کرده بودند، کمتر نشود. در جدول شماره ۱ میزان درآمد و مقدار صادرات نفت کشور در سالهای ۶۷ - ۱۳۵۸ نشان داده شده است.<sup>۱</sup>

جدول ۱. میزان درآمد و مقدار صادرات نفت کشور در سالهای ۶۷ - ۱۳۵۸

سال	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵	۶۶	۶۷
درآمد نفتی (میلیارد دلار)	۱۹/۳	۱۱/۶	۱۲/۴	۲۰	۲۰/۴	۱۶/۶	۱۳/۹	۵/۹	۹/۲	۷/۶
مقدار صادرات (هزار بشکه)	۱۲۸	۳۷	۳۸/۵	۹۲	۱۰۰	۷۸	۷۱	۶۱	۷۵	۷۹

همان‌گونه که در جدول شماره ۱ دیده می‌شود از سال ۱۳۶۱، که مصادف با پیروزی نظامی ایران در جنگ با رژیم بعثی عراق بود، درآمد نفتی ایران افزایش قابل‌توجهی پیدا کرد و سهم ایران از فروش نفت در اوپک به یکباره در سال ۱۹۸۲ میلادی، دوباره افزایش چشمگیری یافت و به ۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۱ شمسی رسید (عادل، ۱۳۷۰: ۱۹۸). بنابراین، می‌توان تغییرات سطح درآمدی نفت را در سال ۶۱ با توجه به وابستگی شدید اقتصاد ایران به فروش نفت در روند ادامه جنگ به‌طور تأثیرگذاری ارزیابی کرد. همان‌طور که در جدول شماره ۲ (آمارهای اقتصادی، ۷۴ - ۱۳۳۸ معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصاد و دارایی) آمده است در سالهای ۵۹ و ۶۰، که ایران دچار تحریم اقتصادی بود و درآمدش از

۱. گزارش اقتصادی و ترازنامه کشور - بانک مرکزی ایران. سالهای مربوط (میلیارد دلار)

فروش نفت کاهش یافته بود با ورود به سال ۶۱ تغییر اساسی می‌کند و این نکته مهمی برای تأمین بودجه نظامی کشور درگیر در جنگ و در نتیجه انگیزه‌دهی به نیروهای نظامی برای ادامه جنگ بود.

جدول ۲. میزان رشد و درآمد بخش های مختلف اقتصاد کشور در سالهای ۱۳۵۹-۱۳۶۷

سال	درآمد ملی (جاری)	میزان رشد	درآمد ملی (ثابت)	میزان رشد	بخش صنعت (ارزش افزوده)	میزان رشد	بخش نفت (ارزش افزوده)	میزان رشد
۱۳۵۸	۵۵۳۸	۲۷	۹۵۳۸	۱۰/۲	۱۷۷۳	۱۵/۷-	۲۵۳۵	۱۹/۴-
۱۳۵۹	۵۶۳۲	۱/۷	۸۲۳۲	۱۳/۷-	۰/۸۷۴	۵/۷	۸۶۶	۶۵/۸-
۱۳۶۰	۶۸۸۳	۲۲/۲	۸۰۳۵	۲/۴-	۰/۸۷۵	۰	۸۹۲	۱/۹
۱۳۶۱	۹۱۰۷	۳۲/۲	۹۱۰۷	۱۳/۳	۱۸۸۴-	۰/۵	۱۹۴۷	۱۲۰
۱۳۶۲	۱۱۴۴۹	۲۵	۱۰۲۲۰	۱۲/۲	۲۲۵۴	۱۹/۷	۲۰۰۶	۳
۱۳۶۳	۱۲۵۰۷	۹/۲	۱۰۱۵۴	۰/۶-	۲۳۶۴	۴/۹	۱۶۲۵	۱۹۰-
۱۳۶۴	۱۳۲۶۷	۶/۱	۱۰۱۱۶	۰/۴-	۲۲۳۲	۵/۶-	۱۶۴۴	۱/۲
۱۳۶۵	۱۳۲۹۶	۰/۲	۸۲۸۵	۱۸-	۲۰۳۲	۸/۹-	۱۴۰۳	۱۴/۷-
۱۳۶۶	۱۶۳۵۸	۲۳	۸۴۶۰	۲/۱	۲۰۸۴	۲/۵	۱۵۹۸	۱۳/۹
۱۳۶۷	۱۸۳۴۶	۱۲/۲	۷۹۴۳	۶-	۱۹۷۸	۵-	۱۷۵۴	۹/۷

منبع: آمارهای اقتصادی، ۷۴ - ۱۳۳۸ معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصاد و دارایی

بنابراین، در زمینه وضعیت اقتصادی ایران و تأثیر آن بر طولانی شدن جنگ باید گفت که در سالهای اولیه جنگ، وضعیت اقتصادی کشور به گونه‌ای نبود که امکان تحقق «جنگ، جنگ تا پیروزی» حاصل شود؛ ولی، با تغییراتی که در سطح اقتصادی کشور در سال ۱۳۶۱ شکل گرفت و مشکل حاد کشور در پس اقتصادی تا حدی برطرف شد، زمینه تشویق ایران به تداوم جنگ برای تحقق خواسته‌های خود بیشتر شد.

### ۳. تغییر در شرایط و ماهیت جنگ

یکی از دلایل تداوم جنگ پس از فتح خرمشهر، تغییر شرایط و ماهیت جنگ بود. در این مرحله برتری نظامی ایران سبب ایجاد نگرانی حامیان منطقه‌ای و جهانی عراق شد؛ زیرا، تصور آنان از جنگ این بود که با فشار نظامی بر ایران، می‌توان انقلاب ناآرام ایران را مدیریت کرد؛ اما، پیروزی ایران در عملیات بیت‌المقدس برای منطقه مخاطره‌آمیز تلقی شد. روزنامه

هرالد تریبون در واکنش به پیامد این عملیات چنین می‌نویسد: این پیروزی می‌تواند بر آینده سیاسی عراق، امنیت کویت و تغییر موازنه راهبردی در منطقه خلیج فارس تأثیر فوق‌العاده‌ای داشته باشد (لطف‌الله زاده‌گان، ۱۳۸۹: ۱۰۸). بنابراین، روشن بود که پیش‌بینی چنین وضعیتی باعث ایجاد فضای روانی و تبلیغاتی در جنگ بشود و به‌نظر می‌رسد شکل‌گیری این فضای جدید بر تصمیم‌گیری مجموعه‌ای از بازیگران به‌منظور فراهم‌سازی زمینه‌های تداوم جنگ تأثیرگذار بوده است؛ حتی، امریکایی‌ها که براساس نظریه هنری کیسینجر (وزیر امور خارجه سابق امریکا) راهبرد «جنگ بدون برد» را در برابر جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق علیه ایران دنبال می‌کردند، بدون توجه به برتری و خواسته‌های ایران در مجامع بین‌المللی و سازمان ملل، خواهان پایان جنگ پس از فتح خرمشهر بودند. موضوع دیگری که در تصمیم ادامه جنگ می‌شود از آن یاد کرد، بحث تغییر شرایط و ماهیت جنگ است. براساس نظریه «برد - باخت» کالاهان، معمولاً برای گفتگو و صلح، کشوری که به لحاظ نظامی در جایگاه برتری قرار دارد، می‌تواند شرایط گفتگو برای پایان جنگ تعیین کند؛ اما پس از فتح خرمشهر، فشارهای سیاسی بر ایران به گونه‌ای بود که تمامی اعضای شورای امنیت بر این مسئله پا فشاری می‌کردند که ایران می‌باید آتش‌بس را بپذیرد؛ این در حالی بود که توقع افکار عمومی در داخل ایران، پس از پیروزیهای نظامی و آزادسازی خرمشهر برای تنبیه متجاوز و پیگیری حقوق ایران، شتاب بیشتری پیدا کرده بود. البته پیدایش چنین وضعیتی به این دلیل بود که از یک‌سو در سطح نظامی، ایران پس از چهار عملیات، موازنه قوا را به نفع خود تغییر داده بود و از سوی دیگر در سطح سیاسی، دولت عراق با از دست دادن خرمشهر به‌عنوان برگ برنده در گفتگوها، در وضعیت نامناسب و ضعیفی قرار گرفت.

#### ۴. جانبداری شورای امنیت از عراق و عدم تحقق ابعاد حقوقی ایران

برخی کارشناسان و حتی فرماندهان جنگ بر این باورند که ایران می‌باید پس از فتح خرمشهر چیزی مثل قطعنامه ۵۹۸ را می‌پذیرفت و به جنگ پایان می‌داد؛ زیرا، با فتح خرمشهر و عقب‌نشینی عراق به مرزهای اولیه این امکان محقق شده بود و ایران می‌توانست با یک مانور سیاسی از سوی امام، جنگ را تمام کند؛ اما چرا این اتفاق نمی‌افتد و جنگ از سوی ایران ادامه پیدا می‌کند؟ شاید چنین به نظر آید که ایران در سطح راهبردی برای پایان دادن به جنگ پس از فتح خرمشهر، برنامه و الگوی خاصی طراحی نکرده بود. بنابراین از نظر



راهبردی نوعی خلأ وجود داشت و به همین دلیل برای مدتی در آن مقطع دچار و دستخوش حوادث شدیم تا فکر پیروزی چشمگیر برای گفتگو توسط هاشمی رفسنجانی مطرح و دنبال شد. (زهدی، مصاحبه: ۱۳۹۷/۶/۲۶). نکته مهم دیگر درباره ادامه جنگ، جانبداری شورای امنیت سازمان ملل از عراق و عدم توجه به خواسته‌های حقوقی ایران برای پایان دادن به جنگ بود. با توجه به شرایطی که بر شورای امنیت و حقوق بین‌الملل حاکم بود و با فرض اینکه ایران جنگ را پایان می‌داد و وارد خاک عراق نمی‌شد، این پرسش مطرح بود که ایران براساس چه مبنا و اهمی می‌توانست عراق را مجبور کند تا حقوق او را بدهد و در مقابل او تمکین کند؛ آیا غیر از امتیازگیری از عراق، مانند پیشروی در قسمتی از خاک آن، راه‌حل دیگری بود؟ به هر حال، ایران کشوری بود که مورد تجاوز و حمله نظامی قرار گرفته بود و علاوه بر ویرانی شهرها و از دست دادن حجم وسیعی از نیروی انسانی، خسارت اقتصادی زیادی دیده بود و از همه مهمتر بخشی از خاکش هنوز در اشغال نیروهای متجاوز عراقی بود. بر این اساس، شاید راه‌حلی جز ادامه جنگ و سرکوب متجاوز برای تأمین خواسته‌هایش نبود. از طرفی، قدرتهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای به‌ویژه پنج عضو دائم شورای امنیت در مقاطعی از جنگ، که عراق در موضع ضعف و ایران را در موضع قدرت می‌دیدند از ترس به خطر افتادن منافعشان به صدور قطعنامه اقدام می‌کردند به‌طوری که شورای امنیت برای بررسی جنگ ایران و عراق، تقریباً تا دو سال یعنی تا ژولای ۱۹۸۲ میلادی جلسه رسمی تشکیل نداد؛ ولی، وقتی عراق در ابتدای سال ۱۹۸۲ میلادی از عقبگردهای نظامی رنج می‌برد و تلاشهای میانجیگرانه‌ای که به آن امید فراوانی می‌رفت با مرگ سیاستمدار بلند پایه الجزایری یعنی محمدبن‌یحیی<sup>۱</sup> فرو پاشید، شورای امنیت در تاریخ ۱۲ ژولای همان سال جلسه علنی تشکیل

۱. محمدبن‌یحیی، وزیر خارجه الجزایر بود که توانست به بحران گروگانهای امریکایی در تهران پایان بدهد. او که به دنبال میانجی‌گری بین تهران و بغداد بود در سوم ژولای ۱۹۸۲ با یک هواپیمای جت کوچک از ترکیه عازم ایران شد؛ اما هواپیمای او در مرز بین ایران و عراق هدف هواپیمای جنگی قرار گرفت و بن‌یحیی کشته شد. دشوار می‌توان هر یک از طرفین را به قتل بن‌یحیی متهم کرد؛ چرا که الجزایر از جمله کشورهای عربی بود که همدردی بیشتری با شکایات ایران نشان می‌داد و شخصیت او کاملاً برای مقامات ایرانی شناخته شده بود. از سوی دیگر عراق از نظر نظامی در موضع دفاعی قرار داشت و از جهت نظری به سود صدام حسین بود که آتش‌بس انجام شود، اما با توجه به اینکه حفظ توافقنامه ۱۹۷۵ الجزایر، آشکارا به نفع الجزایر بود، این احتمال وجود دارد که صدام حسین این شخص میاجیگر عرب را که با طرحهای عراق در مورد شط‌العرب همدلی نشان نمی‌داد، برنتابد (الکواری، ۱۳۸۷: ۲۹۵).

داد و قطعنامه ۵۱۴ را صادر کرد که آن هم با واکنش منفی ایران روبه‌رو شد که بیانگر اعتقاد فزاینده این کشور به جانبداری شورای امنیت از رژیم حاکم بر عراق بود (الکوری، ۱۳۸۷: ۲۹۷).

## ۵. تلاش برای صدور ایدئولوژیکی انقلاب

یکی از عوامل تأثیرگذار دیگر در تصمیم‌گیری مسئولان ایرانی برای ادامه جنگ، مسئله ایدئولوژیک صدور انقلاب اسلامی و همراه کردن شیعیان و ملت عراق با خود بود. و فیک سامرایی با تأیید ترس حکومت وقت عراق از صدور انقلاب ایران چنین می‌گوید، آنچه صدور انقلاب اسلامی یا انقلاب ایرانی نامیده می‌شود در آن زمان واقعیت بود و به نظر من تا به امروز و پس از گذشت سی سال هنوز هم ادامه دارد و یا سعی می‌کند حمله عراق را به‌عنوان دفاع در راه سلطه ایران بر اعراب نشان دهد. شعار صدام در جنگ با ایران دفاع از دروازه‌های شرقی جهان عرب در برابر انقلابی بود که به زعم او در پس عنوان اسلامی آن، سودای سلطه فارس بر عرب و شیعه بر سنی داشت؛ ولی این شعار در دل مردمان عرب بی‌تأثیر نبود (السامرایی، ۱۳۹۶: ۱۹۲). علاوه بر گفته‌های سامرایی، بی‌بی‌سی فارسی نیز در برنامه «صفحه دو» ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر را نیز ناشی از پیگیری شعار صدور انقلاب از سوی ایران می‌داند به‌گونه‌ای که سعی می‌کند ایران را مقصر نشان دهد؛ زیرا، حکومت ایران پس از خرمشهر به جای معامله با عراقی‌ها به دنبال تأسیس الگویی از جمهوری اسلامی در عراق بوده است (باستانی، ۲۰۱۷). در واقع بی‌بی‌سی فارسی سعی می‌کند تا در انگاره‌سازی از جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران، رهبران و فرماندهان ایرانی را فاقد نگاه واقع‌بینانه نسبت به جنگ نشان دهد و شعارزدگی ایدئولوژیک را عامل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر بداند. با این تفسیر شاید این امکان وجود داشته باشد که بتوان مدعی شد، جنگ برای انقلابیون ایران، حکم شمشیری دو لبه را داشته است؛ زیرا، اگرچه انقلاب ایران از معادله مشروعیت انقلابی و تحقق پیروزی بر متجاوز استفاده می‌کرد در همان حال نمی‌توانسته است به آسانی و بدون احراز حداقل پیروزی ایدئولوژیک آشکار از جنگ خارج شود. نتیجه این موضعگیری ایران هنگامی آشکار شد که شورای فرماندهی انقلاب عراق در پی شکست‌های نظامی در اوایل سال ۱۳۶۱، بیانیه‌ای را در دهم ژوئیه ۱۹۸۲ منتشر کرد و در آن خواستار آتش‌بس یکطرفه و عقب‌نشینی نیروهایش شد که در واقع نوعی عقب‌نشینی از دعاوی سابق عراق به‌شمار می‌رفت؛ اما امام

خمینی به این پیشنهاد عراق پاسخ تند و سختی داد و خواستار تغییر کل حکومت عراق شد (الکواری، پیشین: ۱۷۵). ایران تصور می‌کرد که می‌تواند با استفاده از توان ایدئولوژیک انقلاب، ملت عراق و به‌ویژه شیعیان آنجا را با خود همراه سازد؛ حتی، امام خمینی هنگام اجرای عملیات رمضان، که برای تصرف بصره طرح‌ریزی شده بود به مردم آنجا پیام داد که نیروهای ایرانی را با آغوش گرم بپذیرند که این پیام با سرکوب و خفقان رژیم بعثی عراق روبه‌رو شد؛ اما، این دقیقاً همان روشی بود که عراق در رابطه با کردها و اعراب ساکن ایران به آن دچار شده بود و حمله ایران در تعقیب متجاوز به عراق پس از خرمشهر، آن هم به قصد تصرف بصره، باعث شد تا بخش اعظمی از همدردی پنهان جهانی را از دست بدهد که در آن شرایط می‌توانست از آن برخوردار باشد.

#### ۶. نبود وجود پیشنهاد طرح صلح واقعی

براساس نظریه بازپها، زمانی که جنگ بین‌المللی شکل می‌گیرد در نهایت کشوری می‌تواند شرایط گفتگو و چگونگی پایان آن را مشخص کند که به لحاظ نظامی برنده جنگ شده باشد. بر این اساس پس از فتح خرمشهر، ایران به‌عنوان قدرت برتر نظامی در جنگ، می‌توانست شرایط گفتگو و چگونگی پایان جنگ را تعیین کند؛ اما، حامیان منطقه‌ای و بین‌المللی عراق، مثل عربستان و آمریکا با ابراز نگرانی از اوضاع سعی می‌کردند تا ایران را در مسیر مصالحه قرار دهند و از پیروزیهای پسی ایران جلوگیری کنند. به این دلایل کشورهای عرب منطقه به همراه آمریکا و غرب در راستای حفظ حکومت عراق و فشار بر ایران، تلاشهای خود را برای صلح آغاز کردند. اگرچه تلاش برای میانجیگری و صلح بین طرفین از همان آغاز جنگ شروع شده بود و هر یک از کشورهای میانجی‌گر سعی می‌کرد تا از طریق تشویق دو کشور به گفتگو و ارائه پیشنهاد پایان جنگ به منازعه پایان دهند، هیچ یک از این تلاشها موفق نبود. در آن دوره احمد سکوتوره رئیس جمهوری گینه و رئیس هیئت حسن نیت کشورهای اسلامی از جمله نخستین کسانی بود که اقدام برای میانجیگری بین ایران و عراق را مطرح، و از سران عرب و کشورهای حوزه خلیج فارس درخواست کرد تا برای پایان‌دادن به بحران ایران و عراق تلاش کنند (ماد، سند شماره ۱۵۶/۸، کد ۱۹۹۴-s). البته، نکته مهم و قابل تأمل در این زمینه، تقاضای صدام حسین از احمد سکوتوره برای میانجیگری و تشکیل کمیته‌ای برای روشن‌کردن حقایق جنگ است (رضایی، ۱۳۹۰: ۱۱۶). علاوه بر این

پس از فتح خرمشهر، جریانهای دیگری از سوی برخی از کشورها با طرح و ابتکارهای جدید برای پایان دادن به جنگ پا پیش گذاشتند که هیچ کدام موفق نشدند بین طرفین آشتی برقرار کنند.

به طور کلی می توان چنین برداشت کرد که همه این اقدامات در حالی انجام می شد که تا پیش از آزادسازی خرمشهر، نگاه بیشتر کشورها به ایران به گونه ای بود که گویا ایران قدرت چندانی در برابر ارتش عراق ندارد و راهی جز پذیرش شرایط دشمن ندارد؛ اما ایران توانست طی چهار عملیات موفقیت آمیز، نیروهای [بعثی] عراقی را به عقب براند و خود را در موقعیت نظامی برتری قرار دهد؛ بدین ترتیب با آزادسازی مناطق اشغالی و عقب راندن نیروهای عراق، تحولی راهبردی در روند جنگ به وجود آمد و از این دوره، جنگ به داخل خاک عراق کشانیده شد. نکته مهم دیگر درباره این اقدامات این است که پس از فتح خرمشهر هیچ گونه پیشنهاد یا طرح صلحی از سوی رژیم عراق یا مجامع بین المللی ارائه نشد که ایران آن را بپذیرد. اگرچه برخی سازمانهای بین المللی و بعضی دولتها تلاشهایی برای صلح کردند، هیچ کدام از اقدامات آنها نتوانست ایران را قانع کند که بدون نگرانی از آغاز دوباره جنگ و تنها با پذیرش آتش بس به صلحی پایدار دست بیابد. از طرفی دولت عراق در آن مقطع تنها درخواست آتش بس کرد و به دنبال پایان دادن به اختلافات مرزی و مناقشات دو کشور بر مبنای قرارداد ۱۹۷۵ نبود. بنابراین این امر موجب شد تا ایران از پذیرش شرایط «نه صلح و نه جنگ» برای مدتی نامعلوم که به نتیجه ای هم نمی رسید، نگران باشد (علایی، ۱۳۹۶: ۵۲۸). دولت عراق در واقع سعی کرد که با پیشنهاد آتش بس، ایران را در تنگنا قرار دهد و در جنگ سیاسی، حکومت تازه تأسیس جمهوری اسلامی ایران را با شکست روبه رو کند.

#### ۷. دخالت امریکا و قدرتهای بزرگ

سیاست امریکا با روی کار آمدن رونالد ریگان، تغییر عمده ای در کشورهای جهان سوم ایجاد کرد. وی علاوه بر ادامه سیاستهای پیشین جیمی کارتر، دکترین جدیدی در سیاست خارجی امریکا اعلام کرد که به «دکترین رمبو» شهرت یافت. هدف سیاست جدید امریکا، ایجاد موانع فراروی انقلابهای ملی و جلوگیری از تحولات مترقیانه و رو به پیشرفت در کشورهای جهان سوم بود. یکی از نکات قابل توجه در مفاد دکترین رمبو برای دستیابی به اهداف مدنظر، درگیر ساختن کشورهای انقلابی با کشورهای همسایه در جنگهای بدون پیروز

بود. بنابراین هر جا که انقلابی پدید آمد و الگویی غیر از الگوی سرمایه‌داری عرضه کرد، ممکن بود که این دکترین در موردش اجرا بشود. در واقع تحمیل جنگ کم شدت، ابزار اصلی این سیاست بود. بنابراین شاید بتوان چنین برداشت کرد که سیاست خارجی آمریکا در برابر جنگ ایران و رژیم بعث عراق، تنها براساس راهبرد کلی حاکم بر دکترین ریگان امکانپذیر شده بود که مبنی بر تحمیل جنگهای بدون پیروز بر دولتهای انقلابی بود. بر این اساس، می‌توان چنین تحلیل کرد که در هر مقطعی که نیروهای ایرانی عملیاتهای سرنوشت‌سازی را انجام می‌دادند، آمریکا و دیگر قدرتهای دنیا دخالت می‌کردند و با فرستادن کمکهای مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی موجب می‌شدند، جنگ طولانی بشود (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۲۷۷)؛ چنانکه در دوره جنگ رژیم بعث عراق علیه ایران، هنگامی که ایران از اواسط سال ۱۳۶۰ با عملیات ثامن‌الائمه در پنجم مهر ۱۳۶۰ سیاست تهاجمی در جبهه‌ها در پیش گرفت و با عملیات بیت‌المقدس و فتح خرمشهر در سوم خرداد ۱۳۶۱ به اوج خود رسانید و رژیم عراق را در موضع ضعیف قرار داد، آمریکا را به چشم‌پوشی از سیاست بیطرفی و حمایت ضمنی از عراق ترغیب کرد. از سوی دیگر آمریکا با ترغیب کشورهای منطقه و میانه‌روی عرب، نظیر مصر و اردن به اعطای کمک به عراق در تلاش برای کمک به صدام حسین برای خروج از انزوای بین‌المللی بود. در واقع آمریکا با بیم دادن کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از به مخاطره افتادن موقعیت‌شان در صورت شکست عراق در جنگ، آنها را به اعطای کمکهای بلاعوض یا اعطای تسهیلات با شرایط آسان به عراق ترغیب کرد (هاشمی‌رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۳۱۷). بنابراین مواضع و سیاستهای آمریکا و حامیان منطقه‌ای عراق، پس از فتح خرمشهر نگران‌کننده به نظر می‌رسید؛ چرا که هیچ‌گونه توجه و تمایلی برای تأمین خواسته‌های ایران وجود نداشت. حتی شورای امنیت سازمان ملل نیز از معرفی کشور متجاوز، که یکی از خواسته‌های ایران بود، طفره رفت. در چنین اوضاع و شرایطی ایران به ادامه جنگی تصمیم می‌گیرد که آمریکایی‌ها نمی‌خواستند برنده‌ای داشته باشد.

### مواضع امام خمینی رحمت‌الله‌علیه در زمینه تداوم جنگ

مبنای تفکر امام درباره جنگ بر پایه ماهیت حکومت عراق بود؛ چنانکه اقدامات رژیم بعث عراق علیه ایران را عملی الحادی و کفرآمیز می‌دانستند. آغازکننده بحث درباره نظر امام در زمینه ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر به صورت آشکار، سیداحمد خمینی بود که پس از

رحلت ایشان در سال ۱۳۷۴ برای نخستین بار در روزنامه جمهوری اسلامی منتشر شد. در واقع اظهارات احمد خمینی، گفتمان جدیدی را درباره نظریات امام شکل داد و این تصور را به وجود آورد که امام با ادامه جنگ مخالف بودند؛ ولی، با اصرار و پافشاری مسئولان جنگ نظر خود را تغییر دادند. در این مصاحبه چنین آماده است: «در مقابل مسائل خرمشهر امام معتقد بودند که بهتر است جنگ تمام شود؛ اما، مسئولان جنگ گفتند که ما باید تا کنار اروندرود پیش برویم تا بتوانیم از موضع برتر وارد گفتگو شویم و غرامت خود را از دولت عراق بگیریم؛ اما، امام اصلاً موافق این کار نبودند و معتقد بودند چنانچه جنگ ادامه پیدا کند دیگر تمام شدنی نیست و الان بهترین موقع برای پایان جنگ است» (روزنامه جمهوری، ۱۳۷۴/۲/۱۴). در اسناد منتشر نشده، صحت گفته‌های فرزند امام توسط تیمسار ظهیرنژاد رئیس ستاد مشترک ارتش در دوران جنگ تأیید می‌شود. در یکی از اسناد بنا به گفته ظهیرنژاد، امام خمینی با پیشروی ارتش و ورود به داخل خاک عراق مخالفت، و تأکید کردند که نباید حتی به یک نفر غیرنظامی عراقی آسیب برسد (اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۱۶۲۰۸۷۱۲، کد 1985-s). سردار احمد غلامپور از فرماندهان جنگ در این زمینه می‌گوید: «هنگامی که برای عملیات رمضان و ورود به خاک عراق تصمیم گرفتیم، امام به مردم بصره پیام می‌دهد که با آغوش باز رزمندگان ایرانی را بپذیرید و با آنان همکاری کنید. در اینجا امام به‌عنوان رهبر دینی و مرجع تقلید در مقابل شیعیان عراق و مردم شهر بصره احساس مسئولیت می‌کند و ابهامی که در زمینه ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر وجود دارد، ناشی از همین نگاه امام است. امام در واقع نگران صدمه دیدن مردم بصره هستند و به همین دلیل در جلسات شورای عالی دفاع به این شرط متقاعد به عملیات رمضان می‌شوند که نباید به مردم بصره آسیب برسد» (غلامپور، مصاحبه، ۱۳۹۷/۴/۲۷). محسن رضایی نیز در تاریخ ۲۴ تیر ۱۳۶۱ و در آستانه طرح‌ریزی عملیات رمضان در جمع فرماندهان سپاه درباره تدبیر امام در مورد ورود به خاک عراق می‌گوید: «حدود دو سه ماه پیش همزمان با طرح‌ریزی برای عملیات بیت‌المقدس، خدمت امام رسیدیم و گفتیم که به‌منظور تأمین کامل امنیت کشور و دفع متجاوز باید وارد خاک عراق شویم. امام فرمودند نه چه لزومی دارد؛ اما وقتی توضیح دادیم برای دفاع از کشور لازم است در جایی پدافند کنیم که نیروهای ما نگرانی از حمله دشمن نداشته باشند امام فرمودند که اگر مطلب این طور هست خوب این یک حرف درستی است (رضایی، ۱۳۸۷:

سردار رشید در مصاحبه‌ای می‌گوید که امام خمینی با ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر مخالف بودند؛ اما چون تابع شور و مشورت بودند، نظر فرماندهان ارشد نظامی و مسئولان سیاسی مبنی بر ادامه جنگ را پذیرفتند (چشم‌انداز، ۱۳۷۸، ش ۱۶). محتشمی‌پور نیز در تأیید نظریات در مصاحبه‌ای اعلام می‌کند تنها کسی که مخالف ادامه جنگ بود امام بودند؛ اما آقایان نزد امام آمدند و گفتند ما باید یک قسمت از خاک عراق را بگیریم و از موضع قدرت پشت میز گفتگو با عراق بنشینیم تا خسارت بگیریم. امام گفتند این را بدانید وقتی ما داخل عراق برویم معادله تغییر می‌کند و نیروهای عراقی با رویکرد جدیدی وارد می‌شوند؛ اما سران قوا اصرار داشتند که نیروهای ما با اخلاص جنگ را ادامه خواهند داد. امام گفتند نظر من این است، اما شما بروید با کارشناسان صحبت کنید و اگر آنها همین حرف شما را زدند، جنگ را ادامه دهید (مجله حضور؛ ۱۳۹۲: ۸۶). در واقع امام به چند دلیل مخالف ادامه جنگ بودند:

۱. متجاوز دیده شدن ایران

۲. در منطقه‌هایی که عبور خواهیم کرد، شهرهایی وجود خواهد داشت که لگدمال عملیات نظامی می‌شوند و به نفوس مردم تجاوز خواهد شد.

۳. رفتن به خاک عراق باعث این می‌شود که مردم عراق در پشتیبانی از رژیم صدام وارد

عمل شوند.

۴. اتحاد کشورهای عربی علیه ایران در صورت ورود به خاک عراق (ابوترابی، مصاحبه،

۱۳۹۶/۴/۲۳).

بیان همه این گفته‌ها نشان می‌دهد که امام خمینی پس از فتح خرمشهر به پایان جنگ امید داشتند و اساساً بخشی از مخالفت اولیه ایشان با ادامه جنگ به دلیل نبود دورنمای روشن برای پایان آن بود؛ به عبارت دیگر، امام بر این باور بودند که اگر ما نتوانیم پس از فتح خرمشهر جنگ را تمام کنیم، پایان آن در زمان و شرایطی دیگر دشوار خواهد بود.

## نتیجه‌گیری

سال ۱۳۶۱ با عملیات فتح‌المبین شروع شد و با عملیات رمضان، که با شکست روبه‌رو شد، به پایان رسید. این سال یکی از پرحادثه‌ترین سالهای جنگ هشت‌ساله رژیم بعث عراق

علیه ایران و در واقع سالی سرنوشت‌ساز بود؛ چرا که، با عملیات بیت‌المقدس، ایران توانست شکست سختی به رژیم بعثی عراق وارد؛ و خرمشهر را در سوم خرداد سال ۱۳۶۱ آزاد کند که از آن به‌عنوان دستاورد مهمی در جنگ یاد می‌کنند. نکته مهمی که به اشتباه درباره عملیات بیت‌المقدس جا افتاده، این است که هدف از اجرای این عملیات در واقع آزادسازی خرمشهر بوده است در حالی که اصلاً چنین نبود و آن چیزی که در قرارگاه اصلی به همه تفهیم شد، تأمین مرز ایران در محور تنومه به‌عنوان هدف اصلی بود که البته از این طریق آزادسازی خرمشهر و هویزه نیز به دست می‌آمد. پس از شکست ارتش عراق و عقب‌نشینی نیروهای عراقی در خرداد ۱۳۶۱، شرایط جدیدی در جنگ ایجاد شد که به تصمیم‌گیری دقیق و مناسب نیاز داشت؛ زیرا عراق پیشنهاد آتش‌بس داده بود و انتظار می‌رفت که ایران نیز از این پیشنهاد استقبال کند؛ اما، آن چیزی که در نهایت به مسئولان جنگ دیکته شد، تصمیم به ادامه جنگ بود. البته این تصمیم به‌عنوان یکی از مسائل مهم در دوره جنگ با پرسش‌ها و چالش‌های مختلفی روبه‌رو بود؛ اینکه، چرا ایران در آن مقطع، که در موضع برتر نظامی بود به جنگ پایان نداد؟ حاصل مطالعات و تحقیقات پیشین درباره این مسئله، بیشتر بر دو رویکرد «تبیینی» و «انتقادی» مبتنی بوده است. رویکرد تبیینی بیشتر بر تشریح ضرورت ادامه جنگ در خاک عراق با استفاده از مؤلفه‌های سیاسی، حقوقی، نظامی، اقتصادی و... ناظر است و رویکرد انتقادی بر پایه منازعات سیاسی و نقد مدیریت سیاسی و نظامی کشور و براساس نتایج پس از فتح خرمشهر صورت گرفته است. در مجموع در این پژوهش این نتیجه به دست آمد که ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر در خرداد ۱۳۶۱، علل و دلایل متعددی دارد که با ارائه یک فرضیه به سرانجام نمی‌رسد؛ بلکه، برای حل این مسئله در تاریخ‌نگاری جنگ ایران و رژیم بعثی عراق، ضرورت دارد که ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، نظامی داخلی و خارجی تأثیرگذار در روند ادامه جنگ مورد بررسی قرار بگیرد. نتیجه نشان می‌دهد که ناکامی ارتش بعث عراق در دستیابی به اهدافش در شروع جنگ تحمیلی، نقش اقتصاد و افزایش درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت در سال ۱۳۶۱ برای ایران، ناآرامیهای داخلی و شرایط نظامی ایران، تغییر در ماهیت و شرایط جنگ پس از فتح خرمشهر، حمایت جانبدارانه کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و بویژه شورای امنیت از عراق، اهمیت مسائل ژئوپلیتیکی عدم راه‌حل‌نهایی برای مناقشات مرزی، تلاش ایران برای صدور انقلاب و همراه کردن شیعیان و امت عراق برای



برپایی حکومتی نزدیک به انقلاب اسلامی ایران از جمله موضوعاتی بود که بر روند ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر تأثیر داشت.

## فهرست منابع

- *آمارهای اقتصادی* (۱۳۷۴ - ۱۳۳۸). تهران: معاونت امور اقتصادی، وزارت امور اقتصاد و دارایی.
- احمدی، حمید (۱۳۸۴). *تأثیرات منطقه‌ای جنگ ایران و عراق، آلمان (برلین):* انجمن مطالعات و تحقیقات تاریخ شفاهی ایران.
- احمدی، علیرضا و نهایی، وحید (۱۳۸۶). *توصیفی جامع از روش‌های تحقیق (پارادایمها، استراتژیها، طرحها و رویکردهای کمی، کیفی و ترکیبی)*. تهران: تولید دانش.
- اردستانی، حسین (۱۳۷۹). *تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق، ج ۳*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴). *روش و نظریه در امنیت پژوهی*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بابایی ابرقویی، محمدرضا و غلامحسین (۱۳۹۰). *پژوهشی در دفاع مقدس*. تهران: نشر هدی.
- باستانی، حسین، *بازخوانی یک پرونده ۳۵ ساله، ادامه جنگ پس از آزادسازی خرمشهر*، (۲۴ مه ۲۰۱۷، ۰۳ خرداد ۱۳۹۶)، قابل بازیابی در صفحه اینترنتی برنامه صفحه دو در پایگاه اینترنتی بی‌بی‌سی فارسی.
- بوتول، گاستون (۱۳۷۴). *جامعه‌شناسی جنگ*، ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- بیگلریگی، محمد و عراقی، عبدالله (۱۳۹۲). *بررسی نقش آمریکا در شروع، تداوم جنگ عراق علیه ایران و راه‌های اجتناب از غافلگیری، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی*، سال ۱۳، شماره ۷۷.
- جفری ام الیوت و رابرت رجینالد (۱۳۷۸). *فرهنگ اصطلاحات سیاسی و استراتژیک*، ترجمه میر حسین رئیس زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۷). مقاله بررسی وضعیت داخلی عراق در آستانه جنگ، کتاب ریشه‌های تهاجم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۹۲). جنگ ایران و عراق از نگاه نظریه‌های روابط، تهران: انتشارات صفحه جدید.
- خلاصه روزشمار جنگ ایران و [ارژیم بعث] عراق (۱۳۷۳). تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه.
- درایسدل، آلاسدایر (۱۳۷۴). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر (مهاجرانی)، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- درودیان، محمد (۱۳۷۹). نقد و بررسی جنگ ایران و [ارژیم] عراق، پرسش‌های اساسی جنگ، چ ۴، تهران: مرکز تحقیقات جنگ.
- درودیان، محمد (۱۳۸۱). اجتناب‌ناپذیری جنگ، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- درودیان، محمد (۱۳۸۶). نقد و بررسی جنگ ایران و [ارژیم] عراق، گزینه‌های راهبردی جنگ، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- درودیان، محمد (۱۳۸۹). تجزیه و تحلیل جنگ ایران و [بعثیان] عراق ۲، ج ۲، تهران: مرکز اسناد دفاع مقدس.
- درودیان، محمد (۱۳۹۴). تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق؛ درآمدی بر یک نظریه، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- درویشی، فرهاد (۱۳۸۷). ریشه‌های تهاجم، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- دکوئیار، خاویر پرز (۱۳۷۹). به سوی صلح، ترجمه حمیدرضا زاهدی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- رضایی‌میرقائد، محسن (۱۳۷۴). درس‌های تجزیه و تحلیل جنگ ایران و [ارژیم] عراق، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه، دوره عالی جنگ.
- رضایی‌میرقائد، محسن (۱۳۹۰). جنگ به روایت فرمانده، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس.
- زهدی، یعقوب (۱۳۹۴). سیاست دفاعی، تهران، مرکز تحقیقات دفاعی.

- السامرای، وفیق (۱۳۹۶). *ویرانی دروازه شرقی*، ترجمه عدنان قارونی، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس.
- عادل، سید محمدحسین (۱۳۷۰). *اقتصاد بین‌الملل و بازرگانی خارجی ایران*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- عراقی، عبدالله (۱۳۹۱)؛ *بررسی عوامل و زمینه‌های وقوع جنگ عراق علیه ایران و نقش آمریکا و شوروی در تداوم آن*، پایان نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی دکتر رضا جلالی، تهران: دانشگاه آزاد تهران مرکز، گروه حقوق و علوم سیاسی.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۶). *ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم*، تهران: انتشارات سمت.
- علایی، حسین (۱۳۹۵). *تاریخ تحلیلی جنگ ایران و [ارژیم بعث] عراق*، تهران: انتشارات مرز و بوم.
- کردزمن و واگنر، آنتونی و آبراهام (۱۳۸۹). *جنگ‌های مدرن*، ترجمه حسین یکتا، ج اول، تهران: مرز و بوم.
- کالینز، جان.ام (۱۳۸۳). *راهبردی بزرگ*، ترجمه کورش بایندر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل.
- الکواری، حمدعبدالعزیز (۱۳۸۷). *عملکرد شورای امنیت در جنگ ایران و [بعثیان] عراق*، تهران: پژوهشگاه مطالعات دفاع مقدس.
- لاکوست، ایو و ژیلبن، بتتریس (۱۳۷۸). *عوامل و اندیشه‌های ژئوپلیتیک*، ترجمه علی فراستی، تهران: نشر آمن.
- لطف‌الله‌زاده‌گان، علی‌رضا (۱۳۸۹). *روز شمار جنگ ایران و [ارژیم بعث] عراق «عبور از مرز»*، ج ۲۰، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۷۹). *خلیج فارس: کشورها و مرزها*، چاپ اول، تهران: موسسه انتشارات عطایی.
- *مجله چشم‌انداز*، گفتگوی سردار محسن رشید (۱۳۸۰). ش ۱۱: ۷۷.
- مجموعه آمار نفت و گاز (۱۹۸۹ - ۱۹۶۰) برای سال ۱۳۵۹ و ۱۳۵۸ و گزارش اقتصادی و ترازنامه ۱۳۶۰ بانک مرکزی سال ۱۳۶۰.

- مختاری، مجید و محسن، رشید (۱۳۸۴). استراتژی نظامی ایران و عراق، فصلنامه نگین، ش ۱۵، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۶). به سوی سرنوشت، کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۳، تهران: نشر معارف انقلاب.
- نخجوان، احمد (۱۳۱۷). جنگ، تهران: چاپخانه فردین.
- نیکی، آرکدی (۱۳۷۹). «نتایج انقلاب ایران»، ترجمه مهدی حقیقت خواه، تهران: انتشارات ققنوس.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۰). خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۶۱، تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.
- وتسل، سی (۱۳۷۳). نظریه بازی‌ها و کاربرد آن در تصمیم‌گیری استراتژیک، ترجمه طبیب روشندل، تهران: نشر قومس.
- Neumann, J. V. and Morgenstern, O. (2007). Theory of Games and Economic Behavior, Princeton University Press
- Stephaner Grummon (1982). The Iran-Iraq war- The Center für Strategie and International Studies, Georgetown University, Washington,
- Cottam, Richar (1988). Iran and the United states: a cold war case study pittsburgh: university of pittsburgh press.

#### اسناد

- اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۱۶۲۰۸۷۱۱، کد: s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
- اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۱۰۸۵۳۵، کد: s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
- اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۱۴۳۳۴، کد: s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
- اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۱۵۱۸، کد: s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
- اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۱۶۲۰۸۷۱۲، کد: s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس

- اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۱۶۲۰۸۷۱۲، کد: s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
- اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۷۲۴۴-۴۳۱۰۶، کد: s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
- اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۴۷۱۹، کد: s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
- اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۶۹۵۱، کد: s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
- اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۱۶۲۰۸۷۱۲، کد: s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
- اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۱۵۶/۸، کد: s-1994، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
- اسناد اطلاعاتی دفاع مقدس، سند شماره ۱۶۲۰۸۷۱۲، کد: s-1985، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
- اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۱۸۵۳۴، کد: s-1986، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
- اسناد وزارت امور خارجه: سند شماره ۲۳۴۸، کد: s-1986، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
- اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۳۸۶۵، کد: s-1986، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
- اسناد وزارت امور خارجه، سند شماره ۳۸۶۵، کد: s-1986، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
- اسناد وزارت امور خارجه، شماره سند ۵۴۴۶، کد: s-1975، آرشیو موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، نشریه گزارشهای ویژه؛ ش ۳۱۱، ۱۳۶۷/۱۱/۵، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه؛ ۱۳۶۱/۳/۵، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه؛ ۱۳۶۱/۲/۲۰، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه؛ ۱۳۶۱/۲/۲۰، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ
- خبرگزاری جمهوری اسلامی، گزارشهای ویژه؛ ۱۳۶۱/۲/۲۱، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

#### مصاحبه

- مصاحبه با سرتیپ دوم معین وزیری ۹۲/۲/۸، آرشیو تاریخ شفاهی موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
- مصاحبه با سردار حسین علایی، ۹۲/۵/۲۵، آرشیو تاریخ شفاهی موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
- مصاحبه با سردار سرتیپ محمدحسن کوسه چی ۹۲/۲/۴، آرشیو تاریخ شفاهی موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
- مصاحبه سرتیپ عبدالحسین مفید، آرشیو تاریخ شفاهی موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ۱۳۹۲/۱۲/۱۱.
- مصاحبه نویسنده مسئول با سردار احمد غلامپور، تهران، ۱۳۹۷/۴/۲۷.
- مصاحبه سردار سیدمحمد ابوترابی، مصاحبه، ۱۳۹۶/۴/۲۳، آرشیو تاریخ شفاهی موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
- مصاحبه علی اکبر ولایتی، مصاحبه، ۱۳۹۲/۷/۴، آرشیو تاریخ شفاهی موزه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس.
- مصاحبه نویسنده مسئول با امیر سرتیپ دوم محمد زارع؛ ۱۳۹۷/۲/۱۴
- مصاحبه نویسنده مسئول با سردار پاسدار غلامحسین سپهری: ۱۳۹۷/۳/۲۳
- مصاحبه نویسنده مسئول با سردار یعقوب زهدی، ۱۳۹۷/۶/۲۶.